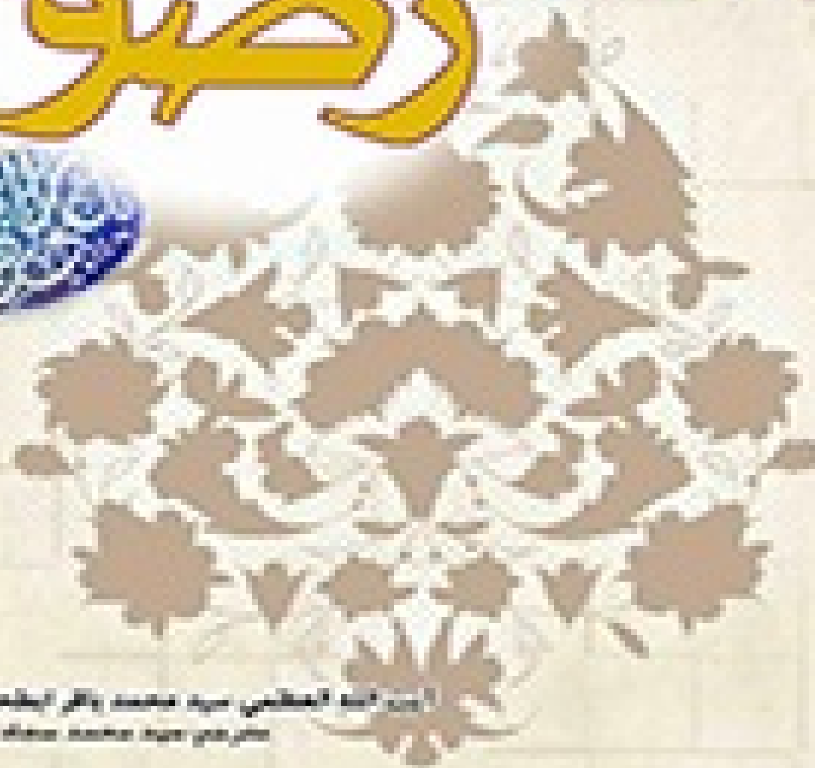


www.mahdi313.com



جلوه‌های مهدوی در کلمات رضوی





آیة الله العظمی سید محمد باقر ابطحی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

جلوه های مهدوی در کلمات رضوی علیهما السلام

نویسنده:

محمد باقر بن مرتضی موحد ابطحی اصفهانی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلوه های مهدوی در کلمات رضوی علیهما السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : موحد ابطحی،سید محمدباقر، ۱۳۱۳ -۱۳۹۲

عنوان قراردادی : الامام المهدی علیه السلام فی احادیث الامام الرضا علیه السلام . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : جلوه های مهدوی در کلمات رضوی علیه السلام / محمدباقر ابطحی اصفهانی ؛ مترجم محمد سجادی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۲۸ص.

شابک : ۱۷۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۷-۸

یادداشت : کتابنامه : ص. ۱۲۸ .

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ - ۲۰۳ق. -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : سجادی اصفهانی، محمد، مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ /م۳ م۸۳۰۴۱ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۵۵۱۹۷

ص: ۱

اشاره

فهرست موضوعات کتاب

یا رئوف یا رحیم

از آن روزی که به عنوان خادم تشرّفی حضرت رضا علیه السلام مشرّف شدم در این فکر بودم که خدمتی هر چند ناچیز به مولای خویش حضرت رضا علیه السلام عرضه کنم تا اینکه بذهنم خطور کرد بیانات آن حضرت را در رابطه با آخرین ذخیره الهی و یادگار حضرت زهرا علیهاالسلام ، ابن الرضا علیه السلام ، حجّه بن الحسن المهدی روحی و أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء را جمعه آوری نمایم.

موضوع را به سرور عزیز و محقّق بزرگوار حضرت آیت اللّه العظمی سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی دامت برکاته مطرح نموده و ایشان این امر را در دستور کار قرار دادند و توسط محققین مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام متن عربی را از مصادر معتبر استخراج و در اختیار این جانت قرار دادند و اکنون ترجمه آن به عنوان جلوه های مهدوی در کلمات رضوی جهت استفاده عموم دوستان اهل البیت علیهم السلام عرضه می شود.

امید آنکه مورد قبول آستان مقدّس آن حضرت قرار گیرد.

خادم تشرّفی حضرت رضا علیه السلام

سیّد محمّد سجّادی اصفهانی

تفسیر امامت در بیان شیوای حضرت رضا علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

عبدالعزیز بن مسلم گوید: ما در ایّام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مرو بودیم، در آغاز ورود خود، روز جمعه در مسجد جامع گرد آمدیم و در موضوع امامت که مورد اختلاف فراوان مردم بود گفتگو کردیم و آنگاه شرفیاب حضور سرور خود امام رضا علیه السلام شدم و گفتگوهای مردم را در امر امامت به عرض او رسانیدم، تبسمی کرد و فرمود: ای عبدالعزیز، این مردم نادانند و از رأی و دین خود فریب خورده اند، به راستی خداوند عزّ وجلّ جان پیغمبر خود را نگرفت تا دین را برای او کامل کرد و قرآنی برای او فرستاد که شرح هر چیز در آن است، حلال و حرام و حدود و احکام و آنچه مردم بدان نیاز دارند همه را در آن بیان کرده و فرموده : «ما در این کتاب چیزی را فرو گذار نکردیم» در سفر حجه الوداع که آخر عمر پیغمبر بود نازل فرمود: «امروز دین را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را برای شما پسندیدم تا دین شما باشد» امر امامت از کمال دین و تمام نعمت است.

پیغمبر از دنیا نرفت تا برای مردم همه معالم دین را بیان کرد و راه را برایشان روشن ساخت و آنها را بر جاده حق واداشت و علی علیه السلام را برای آنها رهبر و پیشوا ساخت و از چیزی که مورد نیاز امت باشد صرف نظر نکرد تا آنرا بیان نمود، هر که گمان برد که خدا دینش را کامل نکرده کتاب خدا را رد کرده است و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است، آیا می دانند قدر و جایگاه امامت را در میان امت تا اختیار و انتخاب آنان در آن روا باشد، به راستی

امامت انـدازه ای فراتر و مقامی والاتر و موقعیتی بالاتر و آسـتانی منیع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود بـدان رسند یا با رأی و نظر خود آنرا درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند.

امامت مقامی است که حضـرت ابراهیم علیه السـلام پس از دارا بودن مقام نبوت و خلت بدان رسید، و سومین درجه و فضیلتی بود که خـدایش بـدان مشـرف کرد و نامش را بوسـیله آن بلنـد نمود و فرمود: «بدرستی که من تو را برای مردم امام قرار دادم» خلیل از شادمانی بدان عرض کرد: «و از ذریه و نژاد من هم»؟

خداوند تبارک و تعالی فرمود: «عهد و فرمان من به ظالمان نخواهد رسید» این آیه امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد و آنرا مخصوص برگزیدگان پاک ساخت.

سپس خداونـد عزّ وجلّ او را گرامی داشت و امـامت را در ذریه و نژاد برگزیـده او نهـاد و فرمـود: «اسـحاق و یعقـوب را به او بخشـیدیم و همه را شایسته نمودیم و آنها را رهبرانی ساختیم که به دستور ما هدایت می کردند و کارهای خیر را و برپا داشتن نماز و پرداخت زکاه را به آنها وحی کردیم و برای ما عابـدان بودند» این امامت همیشه در ذریه او بود و از هم ارث می بردند قرن به قرن تـا به پیغمبر صـلی الله علیه و آله وسـلم رسـید و خـدا فرمود: «به راستی سـزاوارترین مردم به ابراهیم پیروان اوینـد و همین پیغمبر و کسانی که گرویدند و خدا ولی مؤمنان است» این مقام امامت به آن حضـرت اختصاص داشت و به دستور خدا آنرا به علی علیه السـلام واگذار نمود آنچنان که خدای تعالی آنرا واجب کرده بود سپس به ذریه برگزیده او منتقل گردید که خـدا به آنها علم و ایمان داده طبق گفته خدای عزّ وجلّ: «گفتند آن کسانی که به آنها علم و ایمان داده شد هر آینه در نوشـته خدا مانده اید تا روز قیامت و این روز قیامت

است این شما بودید که نمی دانستید» پس آن در فرزندان علی علیه السلام است تا قیامت زیرا پس از محمد صلی الله علیه و آله وسلم پیغمبری نیست، این بی خردان چطور برای خود امام می تراشند با آنکه امامت مقام انبیاء و ارث اوصیاء است، امامت خلافت از طرف خدا و رسول خدا و مقام امیرالمؤمنین است و میراث حسن و حسین است.

به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است امامت بنیاد پاك اسلام و شاخه بابركت آن است، بوسیله امامت نماز و روزه و زكاه و حج و جهاد كامل می شوند، غنیمت و صدقات بسیار می گردند، حدود و احكام اجرا می شوند، مرزها و نواحی كشور مصون می مانند، امام حلال و حرام خدا را بیان می كند و حدود خدا را برپا می دارد و از دین خدا دفاع می كند و با حكمت و پند نیك و دلیل رسا به راه خدا دعوت می نماید، امام مانند آفتابی است كه در عالم طلوع كند و آن در افقی است كه دست و دیده مردم بدان نرسد، امام ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور برافروخته و ستاره راهنما در تاریكی شبها و بیابانهای تنها و گرداب دریاها است، امام آب گوارائی است برای تشنگی و راهنمای هدایت و نجات بخش از نابودی است، امام چون آتشی است بر تیه برای سرمازدگان و دلیلی است در تاریكی ها كه هر كه از آن جدا شود هلاك است.

امام ابری است بارنده، بارانی است سیل آسا، آفتابی است فروزان و آسمانی است سایه بخش و زمینی است گسترده و چشمه ای است جوشنده و غدیر و باغ است، امام امینی است یار و پدری است مهربان و برادری است دلسوز و پناه بندگان خدا است در موقع ترس و پیشامدهای بد، امام امین خدای عزوجل است در میان خلقش و حجت او است بر بندگانش و خلیفه او

است در بلادش و دعوت کننده به سوی خدای عزوجل است و دفاع کننده از حقوق خدای جل جلاله است.

امـام کسـی است که از گناهان پاک است و از عیوب بر کنار است، به دانش مخصوص است و به حلم و بردباری موسوم، نظام دین است و عزت مسـلمین و خشم منـافقین و هلاک کفار، امام یگانه روزگار است، کسـی با او برابر نیست و دانشـمندی با او هم سـنگ نیست، جایگزین نـدارد، مانند و نظیر ندارد، بدون آنکه در پی آن باشد مخصوص است به فضل و از طرف مفضـل منان بـدان اختصاص یافته، کیست که بحق شـناسائی امام برسـد یا توانـد او را انتخاب کنـد؟ هیهات هیهات، خردها درباره اش گمراهند و خاطرها حیران، عقلها سرگردان و چشمها بی دید، بزرگان در اینجا کوچکند و حکیمان در حیرت و بردباران کوته نظر و هوشـمندان گیج و نادان و شـعراء لال و گنگ و ادباء درمانده و سـخندانان بی زبان، شرح یک مقامش نتوانند و وصف یکی از فضائلش ندانند، همه به عجز معترفنـد، چگونه توان کنهش را وصف کرد و اسـرارش فهمید؟ چطور کسـی به جای او نشیند و حاجت مربوط به او برآورد؟ نه، چطور؟ از کجا؟ او در مقام خود اختری است که برافروزد و از دسترس دست یازان و وصف واصـفان فراتر است، انتخـاب بشـر کجـا به این پـایه رسـد، عقل کجا و مقام امام کجا؟ کجا چنین شخصـیتی یافت شود گمان برنـد که در غیر خانـدان رسول صـلی الله علیه و آله وسـلم امامی یافت شود؟ خودشان تکـذیب خود کنند، بیهوده آرزو برند و به گردنه بلند لغزاننده ای گام نهند که آنها را به نشـیب پرتاب کند، خواهند به عقل نارسای خود امامی سازند و به رای گمراه کننـده خود پیشوایی پردازنـد، جز دوری از مقصـد حق بهره نبرنـد، خـدا آنها را بکشد تا کی دروغ گویند به پرتگاه در آمدند و دروغ بافتند و سخت به گمراهی

افتادنـد و به سـر گردانی گرفتـار شدنـد، دانسـته و فهمیـده امـام خود را گذاشـتند و پرچم باطـل افراشـتند: «شـیطان کارشـان را برابرشـان آرایش داد و آنهـا را از راه بگردانیـد بـا آنکه حق جلوی چشم آنهـا بود» از انتخاب خـدای جل جلاله و رسول خـدا صلی الله علیه و آله وسـلم روی برتافتنـد و به انتخـاب باطـل خویش گرائیدنـد بـا اینکه قرآن به آنهـا می گویـد: «پروردگار تو بیافریند آنچه خواهد و انتخاب کند، آنها اختیاری در کار خود ندارند، منزّه است خدا و برتر است از آنچه شـریک او شمارند» خـدا فرموده است: «برای هیـچ مرد و زن بـا ایمـان هنگـامی که خـدا و رسول اللّه در مورد امری حکم کننـد اختیاری نیست» و فرموده است: «شـما را چه شـده است، چگونه قضاوت می کنیـد * یا بلکه کتابی داریـد که در آن می خوانید * که حق دارید چه اختیار کنید * یا بر ما قَسَمی و پیمانی دارید که امضاء شده و تا قیامت حق قضاوت دارید * از آنان بپرس کدامشان در این موضوع پیشوا است * یا برای آنها شریکانی است بیاورند شریکان خود را اگر راست گویند».

و خـدای عزّ وجـلّ فرموده است: «آیـا در قران تـدبر نکننـد یـا قفل بر دل دارنـد یا خـدا دلشان را مهر کرده و نمی فهمنـد» یا : «گویند می شـنویم و شـنوائی ندارند. براستی بدترین جنبندگان نزد خدا کرها و گنگهایی هسـتند که عقل ندارند. اگر خدا در آنهـا خیری می دانسـت به آنهـا شـنوائی می داد و اگر هم شـنوائی می داد پشت می کردنـد و رو بر می گردانیدنـد یـا گـویند شنیـدیم و عمـدا مخالفت کردیم بلکه آن فضـلی است که خـدا به هر که خواهـد دهد خدا صاحب فضل بزرگ است» چگونه می توانند امام اختیار کنند با آنکه باید امام شخصیتی باشد که:

۱ دانا باشد و نادانی نداشته باشد.

۲ راعی و سرپرستی باشد که شانه خالی نکند و نکول ننماید.

۳ معدن قدس و طهارت و نور و زهد و علم و عبادت باشد.

۴ مخصوص باشد به دعوت از طرف رسول خدا و از جانب او معین شود.

۵ از نژاد فاطمه زهرای مطهره بتول باشد.

۶ در نسب او تیرگی و گفتگو نباشد و از بالاترین خاندان در قبیله قریش وکنگره رفیع بنی هاشم و عترت رسول اکرم وپسند خدای عزّوجلّ باشد.

۷ شرف اشراف و زاده عبد مناف باشد.

۸ شکافنده حقائق علم و دارای مقام کامل بردباری و حلم باشد.

۹ مملو از معنویات امامت و دانای به تدبیر و سیاست باشد.

۱۰ واجب الاطاعه باشد و به امر خدا قیام کند.

۱۱ ناصح بندگان خدا و حافظ دین خدای عزّ وجلّ باشد.

به راستی پیغمبران و امامان علیه السلام را خدا توفیق دهد و از مخزون علم و حکمت خود به آنها چیزها عطا کند که به دیگران ندهد و دانش آنها برتر از دانش همه اهل زمان آنها است چنانچه خدای عزّ وجّل فرماید: «آیا کسی که رهبری کند شایسته پیروی است یا کسی که نیازمند هدایت است، چه شده؟ شما چگونه قضاوت می کنید» و : «به هر که حکمت داده شد خیر بسیار داده شده و جز خردمندان یادآور آن نباشند» و درباره طالوت فرماید: «براستی خدا او را بر شما برگزید و افزونی در علم و جسم داد، خدا به هر که خواهد ملکش را بدهد، خدا واسع و دانا است» و درباره پیغمبر خود فرموده : «کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد و آنچه نمی دانستی به تو تعلیم نمود و فضل خدا بر تو بزرگ است» و درباره خاندانش که از آل ابراهیم هستند فرمود : «آیا حسد برند به مردم در آنچه خدا از فضل خود به آنها داده، محققا عطا کردیم

به آل ابراهیم کتاب و حکمت را و به آنها قلك و حکومت بزرگی دادیم * برخی بدان ایمان داشته و برخی نداشته، دوزخ با آتشی افروخته آنان را کافی است.

وهمانا بنده را هرگاه خداوند تبارک و تعالی برای امور بندگانش اختیار کند شرح صدر به او مرحمت کند و چشمه های حکمت را در قلب او به ودیعه نهد و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ هیچ سوال و پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تایید او است از خطا و لغزش و برخورد ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از بندگانش و شاهد او بر خلقش باشد، این فضل الهی است که به هر که خواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است، آیا بشر قادر است که چنین امامی انتخاب کند یا منتخب آنها دارای چنین صفاتی بوده که آن را پیش انداخته اند. به حق خانه خدا که تعدی کردند و قرآن را پشت سر انداختند، مثل اینکه مطلب را نمی دانند، هدایت و شفا درکتاب خدا است که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آنها را نکوهید و دشمن داشت و بدبخت ساخت و فرمود: «کیست گمراه تر از آنکه پیرو هوس خویش است، بدون رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند» فرمود: «بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آنها که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جباری مهر زند» وصلی اللّه علی محمّد وآله وسلّم تسلیماً کثیراً.

۱. ضرورت و نیاز جامعه به حجت خدا

۱ زمین هیچگاه از حجت خدا خالی نمی ماند

۱ صفار به سند خود، از سلیمان جعفری روایت کرده است که گفت:

از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم آیا زمین خالی از حجت خدا می ماند؟ امام علیه السلام فرمود: اگر زمین ولو به اندازه یک چشم به هم زدن خالی از حجت باشد، اهلش را در خود فرو می برد.

۲ شیخ صدوق در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: مأمون از حضرت رضا علیه السلام درخواست کرد که اسلام ناب و خالص را برای او به طور اختصار بنویسند و امام در پاسخ او نوشتند:

همانا اسلام خالص شهادت دادن به یکتایی خداوند است که معبودی جز او نیست ... و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده و امین و گزیده و برگزیده از میان خلق است، او سرور رسولان و خاتم پیامبران و برترین اهل عالم است، پیامبری بعد از او نیست، آئین او دگرگون نمی شود و شریعت او تغییر نمی کند و اینکه آنچه او آورده همگی حق روشن و آشکار است، تصدیق او و همه رسولان و پیامبران و حجج الهی که پیش از آن حضرت بوده اند، تصدیق کتاب او که راست و درست و گرانبها است، و اینکه راهنمای بشر پس از آن حضرت و حجت بر مؤمنان و قیام کننده به امور مسلمانان و بیان کننده

قرآن و عالم به احکام آن برادر، جانشین، وصی و ولی امر و آن کسی که نسبت به او به منزله هارون نسبت به موسی یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام است، او امیر اهل ایمان و پیشوای پرهیزکاران و زمامدار روسفیدان و برترین اوصیاء و وارث علم پیامبران و رسولان است.

و بعد از او دو فرزندش امام حسن و امام حسین دو سرور جوانان بهشت هستند، سپس علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان، پس از او محمد بن علی شکافنده علوم پیامبران پس از او جعفر بن محمد، امام صادق، وارث علوم اوصیاء، پس از او موسی بن جعفر فرو برنده خشم، پس از او علی بن موسی حضرت رضا، پس از او محمد بن علی، پس از او علی بن محمد، پس از او حسن بن علی، و پس از او حجت قیام کننده ای است که انتظار او را باید کشید.

باید به وصایت و امامت همگی آنها گواهی داد و اینکه زمین هیچگاه و در هیچ عمر و زمانی از حجت خدا خالی نمی ماند، و اینکه آنها دست آویز محکم و مورد اطمینان و پیشوایان هدایت و حجت بر اهل دنیا هستند تا آن زمانی که زمین و آنچه را در آن است خداوند به ارث ببرد، و اینکه هر کس با آنها مخالفت کند گمراه و گمراه کننده و رها کنند حق و هدایت است، و اینکه آنان زبان قرآنند و گفتارشان بر اساس آن است و بیان کننده کلام رسول خدا و گویندگان از طرف او می باشند و هر کس از دنیا رود و آنان را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است یعنی بهره ای از اسلام و دین نبرده است.

۲. نسب پاک آن حضرت

۱ او از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۲ می آید) از حضرت رضا و آن حضرت از امیرالمؤمنین و ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمودند: آن قیام کننده که از فرزندان من است بدون تردید غایب خواهد گردید.

در همان کتاب و کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۸ می آید) از آن حضرت و ایشان از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: ای رسول خدا، چه وقت آن قیام کننده که از ذریه شما است خروج خواهد کرد.

و نیز در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۱ می آید) از آن حضرت و ایشان از پدران بزرگوارشان روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

قیامت به پا نگردد تا قیام کننده ای به حق از ما قیام کند.

۲ او از فرزندان امام حسین صلی الله علیه و آله است

صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح ۲۰ می آید) از حضرت رضا علیه السلام ، از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت

کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمودند:

تا آنکه به امر امت من مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام قیام کند.

و نیز در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۴ می آید) از آن حضرت، و ایشان از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که به امام حسین علیه السلام فرمودند:

ای حسین، نهمین از فرزندان تو آن قیام کننده به حق است.

۳ او از فرزندان امام باقر علیه السلام است

کشّی در کتاب رجال خود، (با سندی که در ح۳۱ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که در ضمن حدیثی فرمودند:

امام باقر علیه السلام فرموده است: هفتمین از ما قیام کننده ما خواهد بود اگر خدا بخواهد.

۴ او از فرزندان حضرت رضا علیه السلام است

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

خداوند از صلب حضرت رضا علیه السلام کسی را که کامل کننده عدد دوازده از دوازده امام است خارج گرداند.

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح۲۵ می آید) از حضرت

رضـا علیه السـلام روایت کرده است که فرمود: فتنه کور و کری قطعاً تحقق خواهـد یافت و گریزی از آن نیست و آن هنگامی است که شیعه سومین از فرزندان مرا از دست دهند.

صدوق رحمه الله در کمال الدین، (با سندی که در ح۲۷ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

هیچگونه گریزی نیست از وقوع فتنه ای ... و آن هنگامی است که شیعه سومین فرزند مرا از دست دهد.

و نیز در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السـلام ، (با سندی که در ح۲۷ می آید) از آن حضـرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

گویا شیعیان را می بینم هنگامی که سومین فرزند مرا از دست بدهند، چراگاهی را بجویند و آن را نیابند.

و در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۳ می آید) از ریّان بن صلت روایت کرده است که گفت:

به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: شما صاحب این امر هستید؟

فرمود: ... آنکه مورد نظر تو است چهارمین فرزند من خواهد بود.

در همـان کتاب، (با سـندی که در ح۱۴ می آید) از حضـرت رضا علیه السـلام روایت کرده است که شخصـی به آن حضـرت عرض کرد: قیام کننده از شـما اهل بیت چه کسـی است؟ امام علیه السـلام فرمود: او چهارمین فرزند من است از سـرور کنیزان عالم بدنیا خواهد آمد.

نعمانی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح۱۰ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

... تا آنکه برای این امر مردی از ما اهل بیت را برانگیزد.

۵ او از فرزندان امام جواد علیه السلام است

شیخ مفید در کتاب ارشاد، (با سندی که در ح۳۳ می آید) از حضرت رضا علیه السلام و ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمودند: از فرزندان امام جواد علیه السلام است آنکه آواره بیابانها و فراری از دشمنان خواهد بود.

۶ او از فرزندان امام عسکری علیه السلام است

خزّار قمی در کتاب کفایه الأثر، (با سندی که در ح۲۸ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که به دعبل فرمودند:

امام بعد از من محمّد فرزند من است ... و بعد از حسن علیه السلام فرزندش حضرت حجّت قائم علیه السلام است.

۳ اربلی در کتاب کشف الغمّه، (با سندی که در ح۳۵ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است فرمودند: خلف صالح یعنی آخرین خلیفه الهی فرزند امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود و از القاب مبارکش صاحب الزمان و مهدی است.

۳. ولادت آن حضرت و نامها و القاب مبارک او

۱ پنهان بودن ولادت آن حضرت

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح ۱۰ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

... تا آنکه برای این امر مردی را برانگیزد که ولادت او مخفی و محل رشد و نمای او پنهان است.

نعمانی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح ۱۰ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

تا آنکه برای این امر یعنی امامت مردی از ما را برانگیزد که ولادت او و محل و رشد و نمایش پنهان باشد.

۲ نام اصلی آن حضرت نام پیامبر یعنی «م ح م د» است

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۵ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که درباره حضرت حجت ارواحنا له الفداه فرمودند:

پدر و مادرم فدای او که همنام جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۳ از بردن نام اصلی آن حضرت باید خودداری نمود

۴ شیخ صدوق رحمه الله با ذکر سند از ریّابن بن صلت روایت کرده است که

گفت: از حضـرت رضا علیه السـلام در مورد امام قائم علیه السلام سؤال شد، فرمود: شخص او از دیده ها ناپدید می شود و نام او برده نمی شود.

۵ حضـینی در کتـاب هـدایه الکبری، از ریـان بن صـلت روایت کرده است که گفت: از حضـرت رضـا علیه السـلام شـنیدم که فرمود:

امام قائم حضـرت مهدی علیه السـلام شـخص او دیده نمی شود و کسـی بعد از غیبت نام او را نمی برد تا اینکه همه خلق او را ببیننـد و نام او آشـکار شود و همه بشـنوند، عرض کردیم: ای سـرور ما، اگر بگوئیم: صاحب غیبت یا صاحب الزمان یا مهـدی یعنی او را با القاب یاد نمائیم آیا اشـکالی دارد؟ حضـرت فرمودند: نه اینها جایز است، ما شـما را از تصریح نمودن به نام اصلی او نهی نموده ایم تا نام او از دشمنان ما پنهان بماند و او را نشناسند.

۶ در کتاب وسـیله النجاه، از حضـرت رضا علیه السـلام روایت شده است که به آن حضـرت عرض کردند: نام قیام کننده شـما چیست؟ فرمودند:

ما ممنوع شده ایم از اینکه پیش از ولادتش نام او را ببریم.

۴ برخاستن از جای خود هنگامی که از او به لفظ «قائم» یاد شود

۷ در کتاب تنزیه الخاطر، روایت شده است که در مجلس حضـرت رضا علیه السـلام نام شریف قائم علیه السلام به میان آمد و آن حضـرت از جای خود برخاست و دسـتها را بر روی سـر نهاد و عرض کرد: خـدایا در فرج او تعجیل فرما و راه خروجش را هموار گردان.

۸ عبدالرضا بن محمد در کتاب خود، «تأجیج میزان الأحزان فی وفات سلطان خراسان» می نویسد:

روایت شده است که وقتی دعبل خزاعی قصیده معروف خود را در محضر امام رضا علیه السلام خواند، به این شعر که رسید:

ناگزیر امامی از ما خروج خواهد کرد و او به نام خدا همراه با برکات فراوان الهی قیام می کند

امام علیه السلام برخاست و بر روی قدمهای مبارك خود ایستاد، دست راست را بر سر نهاد و در حالی که سر را مقداری به طرف پائین فرود آورد دعا کرد و فرمود: «خداوندا در فرج و ظهور او شتاب کن و ما را به وسیله او یاری فرما».

۵ القاب مبارک آن حضرت

کلینی رحمه الله در کتاب کافی، (با سندی که در ح۱۶ می آید) از حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی روایت کرده است که فرمود:

اگر آن «سید خلق» یعنی سرور جهانیان قیام کند ...

اربلی رحمه الله در کتاب کشف الغمّه، (با سندی که در ح۳۵ می آید) از آن حضرت در ضمن حدیثی روایت کرده است که فرمود: او «صاحب الزمان» و او «مهدی» است.

حضینی در کتاب هدایه الکبری، (با سندی که در ح۵ ذکر شد) از دعبل خزاعی روایت کرده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردیم:

اگر بگوئیم: «صاحب غیبت» و «صاحب الزمان» و «مهدی» آیا اشکالی دارد؟

حضرت فرمود: نه، با هر یک از این القاب جایز است از او یاد نمود.

۴. شمائل، اوصاف، فضائل و شباهت های آن حضرت علیه السلام به پیامبران علیهم السلام

۱ شمائل آن حضرت

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۵ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: هاله ای از نور وجود مبارك او را احاطه کرده که با پرتوی از نور مقدس الهی فروزان است ...

۲ اوصاف آن حضرت

در کتاب وسیله النجاه، (با سندی که در ح۳۴ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: مهدی علیه السلام از همه مردمان داناتر، بردبارتر، پرهیزکارتر، سخاوتمندتر، شجاع تر و پارساتر است.

۳ فضائل آن حضرت

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۱ می آید) از حضرت رضا علیه السلام ، و ایشان از پدرانش، از نبی مکرم اسلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: به سوی او بروید اگر چه لازم باشد به شکل سینه خیز بر روی برف ها و یخ ها حرکت کنید، همانا او خلیفه الهی بر روی زمین و جانشین من است.

۴ شباهت او به پیامبران

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۵ می آید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: پدر و مادرم فدای او که همنام جدّم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است.

۹ کشّی در کتاب رجال، از حسین صیرفی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم، پدر بزرگوارتان چه کرد؟ فرمود: او نیز همان راه پدرانش را رفت، عرض کردم:

چه کنم با حدیثی که زرعه از سماعه بن مهران روایت کرد که امام صادق علیه السلام فرمودند: پسرم دارای پنج شباهت از پنج پیامبر است مانند یوسف مورد حسد واقع می شود و مانند یونس غایب می گردد وسه شباهت دیگر ذکر کرد . امام علیه السلام فرمود:

زرعه دروغ گفته است، حدیث سماعه چنین نبود بلکه او از امام صادق علیه السلام روایت کرده بود که فرمود: صاحب این امر یعنی امام قائم علیه السلام در او شباهت از پنج پیامبر است و نفرموده بود: فرزندم.

۵ علامت ها و نشانه های آن حضرت

۱۰ نعمانی در کتاب غیبت، از ایوب بن نوح روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: امیدوارم که صاحب این امر

(یعنی تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی) شما باشید و خداوند آن را بدون زحمت لشکر کشی و شمشیر زنی به شما مرحمت فرموده باشد، زیرا برای شما بیعت گرفته شده و سکه بنام شما زده شده است.

امام علیه السلام فرمود: هیچ یک از ما نیست که نامه ها به سویش سرازیر و با انگشت به سویش اشاره شود و از مسائل مختلف سؤال گردد و اموالی را برای او ارسال نمایند مگر آنکه او را (با شمشیر) به شهادت رسانند و یا (به وسیله سم) در بستر از دنیا رود تا آنکه برای این امر مردی از ما برانگیزد که او ولادت و محل رشد و نما مخفی و در نسب او هیچگونه خفائی نیست.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین، این حدیث را با سند دیگری از ایوب بن نوح با اختلاف کمی در الفاظ روایت کرده است.

۱۱ نعمانی در کتاب غیبت، با ذکر سند از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: این امر یعنی امامت کشیده می شود به سوی کسی که قابلیت حمل آن را دارد.

۱۲ حرّانی رحمه الله در کتاب تحف العقول، از معمّر بن خلّاد روایت کرده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: خداوند فرج شما را تعجیل فرماید، امام علیه السلام فرمود: ای معمّر، این دعا در حقیقت به نفع شما و در واقع فرج شما است، امّا من، به خدا قسم قناعت می کنم به همان کسیه ای که در آن مشتی آرد است و بر آن مهر زده شده است.

۱۳ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، از ریان بن صلت روایت

کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامرم ولی نه آن صاحب الامری که عالم را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و جور و ستم باشد، و چگونه من می توانم با این ضعف بدنی و ناتوانی جسمی که مشاهده می کنی آن حضرت باشم؟

همانا قائم علیه السلام کسی است که در هنگام ظهور در سنین پیری است ولی به شکل جوان ظاهر میگردد، او از نظر بدنی به قدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگترین درختی که بر روی زمین است دست خود را دراز کند آن را از ریشه می کند، و اگر میان کوه ها فریادی برآورد سنگها از هم پاشیده شوند و فرو ریزند، او به همراه عصای موسی و خاتم سلیمان دارد، چهارمین فرزند من است، خداوند او را در حجاب و پوشش خود به قدری که بخواهد پنهان می دارد، سپس او را آشکار می سازد تا جهان را پر از عدل و داد فرماید همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

۵. بشارت های قرآنی و کتابهای گذشتگان و خبر دادن پیامبر و ائمه علیهم السلام به او و قیام او

۱ آیات قرآنی که به آن حضرت و قیامش تأویل شده است

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۸ می آید) از دعبل خزاعی و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند چه وقت امام قائم علیه السلام که از ذریه شما است قیام خواهد کرد؟ فرمود: مثل آن حضرت مثل قیامت است که جز او کسی وقت آن را روشن و آشکار نسازد، در آسمانها و زمین بسی سنگین است، و شما را جز ناگهانی نیاید.

۱۴ در همان کتاب، از حسین بن خالد روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: کسی که ورع ندارد، و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد، همانا گرامی ترین شما نزد خداوند تبارک و تعالی کسی است که بیشتر تقیه را رعایت کند، به آن حضرت عرض کردند: ای فرزند خدا تا چه زمانی؟ فرمود: «تا روز وقت معلوم» که آن روز خروج قائم ما است، هر کس پیش از خروج قائم ما تقیه را رعایت نکند از ما نیست.

سؤال کردند: قیام کننده از شما اهل بیت چه کسی است؟ فرمود: چهارمین فرزند من که از سرور کنیزان عالم بدنیا آید، خداوند به وسیله او زمین را از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پاکیزه گرداند، و او

کسی است که مردم در ولادت او شک و تردید نمایند و او پیش از خروجش غایب خواهد شد و چون خروج کند زمین به نور او درخشان گردد، او ترازوی عدل را در میان مردم قرار دهد هیچ کس به دیگری ستم نکند، زمین زیر پایش طی می شود و برای او سایه نمی باشد، منادی غیبی از آسمان برای او ندا کند که همه مردم آن ندا را بشنوند و آنها را به سوی آن حضرت دعوت کند و بگوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظاهر شده است از او پیروی کنید که حق با او و در شأن اوست، و این فرمایش خداوند تبارک و تعالی است «اگر بخواهیم از آسمان آیتی نازل گردانیم که گردن ها برای آن فرود آیند و در برابر آن فروتنی نمایند».

۱۵ حمیری در کتاب قرب الاسناد، (با سندی که در ح۵۵ می آید) از آن حضرت روایت کرده است که فرموده: چه نیکو است شکیبائی و انتظار فرج، آیا نشنیده اید گفتار بنده شایسته را که گفت: «چشم به راه باشید که من به همراه شما چشم به راهم» و «منتظر باشید که من به همراه شما از منتظرین هستم».

۱۶ استر آبادی در کتاب تأویل الآیات، از حسن بن شاذان واسطی روایت کرده است که گفت: نامه ای به حضرت رضا علیه السلام نوشتم و در آن از جفای اهل واسط شکوه نمودم و آنها گروهی عثمانی مذهب بودند و مرا اذیت می نمودند، امام علیه السلام با خط شریف خود مرقوم فرمودند: خداوند از اولیاء خود و میثاق گرفته است که در دولت باطل

صبر و شکیبایی نمایند پس نسبت به حکم پروردگارت صابر باش و چون سرور جهانیان قیام کند آنها خواهند گفت: «وای بر ما چه کسی ما را از آرامگاه خویش برانگیخت، این وعده خداوند رحمان است و فرستادگان او راست گفتند».

۱۷ قندوزی در کتاب ینابیع الموده، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه «گوش بده روزی که منادی ندا کند و فریاد برآورد ... آن روز، روز خروج است»

فرمود: یعنی خروج فرزندم امام قائم حضرت مهدی علیه السلام .

۱۸ علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، از فضاله بن أیّوب روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام در مورد این آیه شریفه «آیا اندیشه کرده اید که اگر آب شما فروکش کند و ناپدید گردد چه کسی برای شما آب گوارا خواهد آورد»

فرمود: مقصود از آب در این آیه امام علیه السلام است، می فرماید اگر امام شما از دیدگانتان پنهان گردد چه کسی برای شما علم امام را خواهد آورد و شما را از اخبار آسمان و زمین با خبر سازد.

۲ خبر دادن کتب پیشینیان به آمدن آن حضرت و قیام او

۱۹ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از کعب الاخبار روایت کرده است که در مورد خلفا گفت: آنها دوازده نفرند، هنگامی که مدت آنها به پایان رسد و گروه صالح آیند خداوند عمر

آنها را طولانی گرداند، او نسبت به این امت چنین وعده فرموده است، سپس این آیه را قرائت نمود:

«خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهد وعده فرموده است که آنها را در روی زمین جانشین سازد، همانگونه که پیشینیان را جانشین ساخت».

آنگاه گفت: خداوند عزّوجلّ نسبت به بنی اسرائیل چنین کرد و دشوار نیست که این امت را در یک روز یا نصف روز گرد آورد، «و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه شما شمارش می کنید».

۳ خبر دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آمدن آن حضرت و قیام او

۲۰ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: دنیا سپری نمی گردد تا آنکه مردی از نسل امام حسین علیه السلام به امر امت من قیام کند، او زمین را پر از عدل و داد گرداند همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

۲۱ در همان کتاب از حضرت رضا علیه السلام ، و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قیامت برپا نمی شود تا قیام کننده بحقّی از ما قیام کند و آن هنگامی است که خداوند تبارک و

تعالی به او اذن و فرمان دهد، هر کس از او پیروی نماید اهل نجات است و هر که تخلف نماید هلاک و نابود میگردد.

بندگان خدا، خدا را، خدا را در نظر داشته باشید، به سوی او بروید اگر چه لازم باشد به صورت سینه خیز بر روی برف و یخ راه بروید، زیرا که او خلیفه خدا و تبارک و تعالی و جانشین من است.

۲۲ و در کتاب کمال الدین، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از رسول خدا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: سوگند به کسی که مرا به حق بشارت دهنده برانگیخت، قیام کننده از فرزندان من طبق عهد و پیمانی که با من نموده غایب خواهد شد به گونه ای که بیشتر مردم بگویند: حاجتی و نیازی به آل محمد علیهم السلام نیست و دیگران در ولادت او شک کنند، هر کس آن زمان را درک کرد باید محکم به دین خود چنگ بزند و با شک و تردید راه را برای نفوذ شیطان هموار ننماید، که اگر چنین شود او را از دین و آئین من منحرف سازد و خارج نماید، او پیش از این پدر و مادر شما را از بهشت بیرون نموده است و همانا خداوند شیاطین را اولیاء کسانی قرار داده که ایمان ندارند.

۲۳ و در همان کتاب و عیون و علل، به سند خود از حضرت رضا و آن حضرت از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از رسول خدا علیه السلام روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمود:... هنکامی که به آسمان برده شدم، جبرئیل در آن جا اذان و اقامه گفت و هر بند آن را دو بار

تکرار کرد، سپس به من گفت: ای محمد جلو بایست، به او گفتم: ای جبرئیل بر تو پیشی بگیرم و مقدم شوم؟ گفت: آری، زیرا خداوند پیامبرانش را بر فرشتگانش برتری بخشیده، مخصوصا شما را بر همه برتر قرار داده، پس جلو ایستادم و آن ها همه به من اقتدا نمودند و این فخری برای من نیست هنگامی که به حجابهای نور رسیدم، جبرئیل به من گفت: ای محمد، مرا رها کن و خود پیش برو، به او گفتم: در مثل چنین جائی مرا تنها می گذاری؟ گفت: ای محمد، اینجا نهایت صعود من و آخرین محل پرواز من است و اگر از این حدی که پروردگارم برایم معین فرموده اندکی تجاوز کنم پر و بالم خواهد سوخت.

من در این هنگام در میان نور افکنده شدم و تا آنجا که خدا خواست پیش رفتم، آنگاه ندائی رسید و مرا صدا زد، من ندا را پاسخ گفتم و عرض کردم: لبیک ای پروردگار من ندا برخاست: ای محمد، تو بنده من و من پروردگار توأم، تنها مرا پرستش کن و بر من توکل نما که تو نور من در میان بندگان و فرستاده من به سوی خلق و حجت من در آفریدگانم هستی تنها برای تو و پیروانت بهشت را آفریده ام و برای آنانکه با تو مخالفت نمایند جهنم را خلق کرده ام و برای اوصیاء تو کرامت خویش را واجب نموده ام و برای شیعیان ایشان ثواب و پاداش را قرار داده ام، عرض کردم: پروردگارا اوصیاء من چه کسانی هستند؟ ندا رسید، ای محمد، نام آنان بر ساق عرشم نوشته شده است، به ساق عرش نظر کردم دوازده قطعه نور دیدم که در هر یک

سطری سبز رنگ و در آن نام یکی از اوصیاء من بود که اولین آنان علی بن ابی طالب و آخرین آنان مهدی امتم می باشد.

عرض کردم: پروردگارا اینها اوصیاء من بعد از من هستند؟ ندا رسید، ای محمد، اینها اولیاء و اوصیاء و برگزیدگان و حجج من بر بندگانم بعد از تو می باشند و اینها اوصیاء تو و جانشینان تو و بهترین آفریدگان من بعد از تو هستند.

به عزت و جلالـلم قسم دینم را به وسیله آنـان آشکار و کلمه خویش را به وسیله آنان بالا می برم و زمین را به وسیله آخرین آنان از دشمنانم پاک می گردانم و او را مالک شرق و غرب عالم می نمایم، باد را مسخر او و فرمانبردارش و ابرهای سخت و سهمگین را رام او خواهم نمود، درهای آسمان را به روی او بگشایم و با لشکریانم او را یاری رسانم و با فرشتگانم مدد نمایم تا آنکه دعوتم را آشکار سازم و همه خلق را بر اساس توحید متحد فرماید، سپس ریاست و سلطنت و فرمانروائی او را استمرار بخشم و روزگار را تا روز قیامت در اختیار اولیائم قرار دهم.

۲۴ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: ای حسین جان، نهمین فرزند تو قیام کننده به حق است، او آشکار کننده دین و گسترش دهنده عدالت است.

امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان چنین چیزی تحقق پیدا می کند؟ فرمود: آری، سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت و او را بر تمام مخلوقاتش برگزید، ولی بعد از غیبت و حیرتی خواهد بود که در آن ثابت نمی ماند بر دینش جز کسی که اهل اخلاص و برخوردار از روح یقین باشد، کسانی که خداوند برای ولایت ما از آنان عهد و پیمان گرفته و در دلهای آنان ایمان را ثبت نموده و با نیروئی از ناحیه خودش آنها را تأیید فرموده است.

۴ روایاتی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره غیبت و قیام آن حضرت

۲۵ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از حسن بن محبوب روایت کرده است که گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند: ناگزیر فتنه ای کور و کوبنده و آشوبی کمر شکن روی خواهد داد که در آن خواص و راز داران سقوط خواهند کرد و آن هنگامی است که شیعه سومین فرزند مرا از دست دهد. اهل آسمان و زمین و همه عاشقان و شیفتگان و درماندگان و دلسوختگان بر او گریه کنند.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که همنام جدّم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است هاله ای از نور وجود مبارک او را احاطه کرده و با پرتوی از نور مقدس الهی فروزان است چه بسیار زن و مرد

مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا دلسوخته و حیران و اندوهگین هستند، گویا آنها را می بینم که در حال یأس و ناامیدی ندائی بشنوند، ندائی که از دور و نزدیک یکسان شنیده شود (و آن فریاد حجت حق است) او که رحمت برای مؤمنان و عذاب و عقوبت برای کافران است.

۲۶ در همان کتاب، از احمد بن زکریا روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام به من فرمود: منزل تو در بغداد کجا است؟ عرض کردم: در کرخ، فرمود: آگاه باش که آن سالم ترین محل در آن روزگار است و به ناگزیر فتنه ای کور و گنگ و کمر شکن روی خواهد داد که در آن خواص و رازداران سقوط کنند و آن هنگامی است که شیعه سومین فرزند مرا از دست دهند.

۲۷ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب علل الشرائع وعیون أخبار الرضا علیه السلام ، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: گویا شیعیان را می بینم هنگام از دست دادن سومین فرزندم که مانند گله ای بی چوپان بدنبال چراگاه و پناهگاهی باشند و آن را نجویند، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا چرا چنین حالی به آنها دست می دهد؟ فرمود: بخاطر اینکه امامشان از آنها پنهان می گردد، عرض کردم چرا پنهان می گردد؟ فرمود: بخاطر اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد بیعت هیچ کس گردن او نباشد.

۲۸ شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین وعیون أخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود

از دعبل خزاعی روایت کرده است که گفت: هنگامی که برای مولایم حضرت رضا علیه السلام قصیده ام را که شروع آن با این بیت است خواندم:

محلّ تدریس آیات الهی که اکنون از تلاوت آیات برکنار مانده است و محل نزول وحی پروردگار که از فعالیت بازمانده است تا رسیدم به این بیت:

ناگزیر امامی از ما خروج خواهد کرد و او به نام خدا همراه با برکات فراوان الهی قیام می کند هر حق و باطلی را در میان ما از یکدیگر جدا می کند و بر نعمت ها یا عقوبت ها جزا می دهد حضرت رضا علیه السلام گریه شدیدی کرد، سپس سر مبارک را بالا آورد و به من نظر کرد و فرمود:

ای خزاعی روح القدس بر زبان تو این دو بیت را جاری کرد، آیا می دانی کیست آن امام؟ و چه زمانی قیام می کند؟

عرض کردم: نه ای مولای من جز اینکه شنیده ام امامی از شما خروج خواهد کرد و زمین را از هر گونه فساد و تباهی پاک می گرداند و آن را پر از عدل و داد می نماید همان طور که پر از ستم شده باشد.

امام علیه السلام فرمود: امام بعد از من، فرزندم محمّد است بعد از محمّد فرزندش علی و بعد از علی فرزندش حسن و بعد از او فرزندش حجّه بن الحسن یعنی آن قیام کننده است که در غیبتش باید انتظار او را کشید و در ظهورش کاملاً- از او اطاعت کرد، اگر از عمر دنیا جز یک

روز باقی نماند خداوند تبارک و تعالی آن روز را به قدری طولانی خواهد نمود تا خروج کند و زمین را پر از عدل و داد گرداند همان طور که پر از ستم شده باشد.

امّا پرسش از زمان خروج، پرسش از وقت است نباید از آن خبر داد پدرم از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردند: ای رسول خدا قیام کننده از ذریّه شما چه زمانی خروج خواهد کرد؟ فرمود: مثل آن مثل ساعت و قیام است، وقت آن را جز خداوند آشکار نمی کند، گران و سنگین است در آسمانها و زمین، جز ناگهانی نخواهد آمد.

خزّاز در در کتاب کفایه الأثر، به سند دیگری از هروی روایت مذکور را نقل کرده است.

۲۹ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، از عبدالسلام هروی نقل کرده است که گفت: دعبل خزاعی در مرو خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: قصیده ای در مدح شما سروده ام و قسم یاد کرده ام که آن را برای کسی قبل از شما نخوانم.

امام علیه السلام اجازه فرمودند که آن را بخواند.

دعبل شروع کرد به خواندن قصیده اش که متجاوز از ۱۲۰ بیت است، بیت اوّل آن چنین است.

محلّ تدریس آیات الهی که اکنون از تلاوت آیات برکنار مانده است و محل نزول وحی پروردگار که از فعالیت بازمانده است

چون به این شعر رسید:

غنیمتی که مال ایشان است در دست دیگران می بینم که بین خودشان تقسیم می کنند در حالیکه دست خود ایشان از آن خالی مانده است حضرت رضا علیه السلام گریست و فرمود: راست گفتی ای خزاعی، و چون به این شعر رسید.

هنگامی که به آنها ستم شود به ستمگر خود دست انتقام دراز نمی کنند بلکه بدی را با احسان مقابله می کنند و دستشان از انتقام خالی است حضرت رضا علیه السلام کف دستان خود را زیر و رو کرد و فرمود: آری به خدا قسم خالی است.

و چون به این شعر رسید:

هر آینه در دنیا زندگی من آمیخته با ترس و وحشت بود و همانا امیدوارم که بعد از مرگم از امن و امان برخوردار باشم. حضرت رضا علیه السلام برایش دعا کرد و فرمود: خداوند تو را امان دهد و ایمن گرداند روزی که وحشت و هراس آن زیاد است.

و هنگامی که دعبل به این بیت رسید:

و قبری از شما در بغداد است برای آن وجود پاک، و غرفه بهشت است که او را دربر گرفته است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: آیا به این قسمت از قصیده ات دو بیت اضافه کنم تا قصیده ات با آن کامل شود.

و قبری در طوس است که برای آن چه بسیار مصائب است و تا روز قیامت آتش از دل های سوخته شعله ور خواهد بود تا آنکه خداوند قیام کننده و منتظر ما را برساند و غصه ها و اندوه ما را برطرف سازد ۳۰ نعمانی در کتاب غیبت، به سند خود از محمد بن أبی یعقوب روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا آنها بزودی مبتلا می شوند به آنچه بزرگتر و سخت تر است مبتلا می شوند به جنین در شکم مادرش و شیرخوار، تا آنکه گفته شود، غایب گردید و از دنیا رفت، و می گویند: امامی نیست، در حالی که رسول خدا غایب گردید و برای او غیبت های فراوانی بود مرانیک منم که به مرگ طبیعی می میرم.

۳۱ کشّی در کتاب رجال، به سند خود از داود رقی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم، فدای شما شوم، به خدا قسم چیزی از امر شما در سینه ام خلجان نمی کند جز حدیثی که از ذریح شنیده ام و آن را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است، امام علیه السلام فرمود: چیست آن حدیث؟ عرض کردم: شنیدم که می فرمود: هفتمین ما قیام کننده ما است إن شاء اللّه، امام علیه السلام فرمود: تو راست گفتی، ذریح راست گفته و امام باقر علیه السلام نیز درست فرموده اند، به خدا قسم شک من افزون گردید،

سپس به من فرمود: ای داود، به خدا قسم اگر موسی به عالم نگفته

بود: «مرا شکیبا می یابی إن شاء اللّه» از او چیزی سؤال نمی کرد، و همچنین امام باقر علیه السلام اگر نگفته بود: «إن شاء اللّه» هر آینه همان طور که گفته بودی شد پس قطع پیدا کردم و شکم زائل گردید.

۳۲ شیخ صدوق در کتاب امالی و عیون، به سند خود از ریّان بن شبیب روایت کرده است که گفت: روز اول محرم خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم، امام در ضمن مطالبی فرمودند: چهار هزار نفر از ملائکه برای نصرت و یاری او در سرزمین کربلا فرود آمدند و امام علیه السلام به آنها اجازه نداد و آنها در کنار قبر آن حضرت ژولیده و غبار آلود هستند تا آنکه قیام کننده ما قیام کند و آنها از یاوران او می باشند و شعارشان خونخواهی امام حسین علیه السلام است.

۳۳ شیخ مفید رحمه الله در کتاب ارشاد، به سند خود از علی بن جعفر روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: ای عمو، آیا از پدرم نشنیدی که می فرمود: پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان پاک، از فرزندان او کسی است که آواره بیابانها و فراری از دشمن است و انتقام خون پدر و جدش گرفته شده است او که صاحب غیبت است و گفته می شود: مُرد یا هلاک گردید، یا در کدام وادی رفت؟ عرض کردم: راست گفتی فدای شما شوم همان طور است.

۳۴ در کتاب وسیله النجاه، از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: مهدی علیه السلام داناترین، بردبارترین، پرهیزکارترین، سخاوتمندترین، شجاع ترین و عابدترین مردم است، او ختنه شده و پاک و پاکیزه بدنیا آید.

۳۵ اربلی در کتاب کشف الغمّه، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خلف صالح، آن آخرین خلیفه الهی از فرزندان حسن بن علی امام عسکری علیه السلام است و از القاب او صاحب الزمان و مهدی است.

۶. غیبت آن حضرت علیه السلام و حوادث و فتنه هائی که پیش از ظهور او رخ می دهد

۱- غیبت آن حضرت علیه السلام وعلّت آن

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۲ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

بدون تردید آن قیام کننده که از فرزندان من است غایب خواهد شد بخاطر عهد و پیمانی که با من بسته است.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۴ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود: او خواهد آمد ولی بعد از غیبت و حیرتی که مردم دچار آن گردند.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۷ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: گویا شیعیان را می بینم هنگام از دست دادن سومین فرزندم که مانند گله ای بی چوپان بدنبال چراگاه و پناهگاهی باشند و آن را نجویند، عرض کردم: ای فرزند رسول خدا چرا چنین حالی به آنها دست می دهد؟ فرمود: بخاطر اینکه امامشان از آنها پنهان می گردد، عرض کردم چرا پنهان می گردد؟ فرمود: بخاطر اینکه وقتی با شمشیر قیام کرد بیعت هیچ کس گردن او نباشد.

و در همان کتاب (با سندی که در ح۴ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام

روایت کرده است که فرمود: شخص شریف او دیده نمی شود.

حضینی در کتاب هدایه الکبری، (با سندی که در ح۵ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

قائم ما حضرت مهدی علیه السلام جسم شریفش دیده نمی شود.

صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۳ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

او چهارمین فرزند من است، خداوند او را در حجاب و پوشش خود پنهان نگه دارد به مقداری که بخواهد.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۱۴ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

او پیش از خروجش دارای غیبت است.

شیخ مفید در کتاب ارشاد، (با سندی که در ح۳۳ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

او انتقام پدر و جد بزرگوارش گرفته نشده و دارای غیبت است.

صدوق رحمه الله در کتاب علل الشرائع، (با سندی که در ح۲۷ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

امام ایشان از آنها غایب می گردد، راوی عرض کرد: چرا می شود؟

فرمود: بخاطر اینکه بیعت کسی در گردن او به هنگام ظهور نباشد.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

خضـر از آب حیات خورد و او تا نفخه صور نخواهد مرد و زنده است، او نزد ما می آید و بر ما سـلام می کند، با ما سخن می گویـد، صـدایش را می شـنویم و شـخص او را نمی بینیم، او هر کجا یاد شود آنجا حضور پیدا می کند و لذا هر کس او را یاد کرد خوب است سـلامی به او عرض کند، همه ساله در مراسم حج شـرکت می کند، تمام مناسک حج را به جا می آورد و در عرفه می ایسـتد و به دعای مؤمنان آمین می گویـد، خداوند او را انیس قائم ما قرار می دهد و به وسـیله او وحشت و غربت آن حضرت را برطرف می سازد.

۲ اسلام غریبانه آغاز شده و به زودی غریب می گردد

۳۶ شـیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، به سـند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السـلام ، از رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: اسـلام با غربت شـروع شده و به زودی دچـار غربت می شود همـان طور که در آغـاز بوده است و خوشـا به حـال افراد غریب یعنی کسانی که دست از اسـلام بر نمی دارند و دین خود را به هیچ قیمتی و در هیچ شرایطی رها نمی کنند.

۳ ناگزیر فتنه ای کور و کمر شکن رخ خواهد داد

شیـخ طوسـی رحمه الله در کتـاب غیبت، (با سـندی که در ح۲۵ ذکر شـد) از حسـن بـن محبـوب روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند: ناگزیر فتنه ای کور و کوبنده و آشوبی کمر شکن روی خواهد داد که در آن خواص و راز داران سقوط خواهند کرد و آن هنگامی است که شیعه سومین فرزند مرا از دست دهد. اهل آسمان و زمین و همه عاشقان و شیفتگان و درماندگان و دلسوختگان بر او گریه کنند.

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که همنام جدّم و شبیه من و موسی بن عمران علیه السلام است هاله ای از نور وجود مبارک او را احاطه کرده و با پرتوی از نور مقدس الهی فروزان است چه بسیار زن و مرد مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا دلسوخته و حیران و اندوهگین هستند، گویا آنها را می بینم که در حال یأس و ناامیدی ندائی بشنوند، ندائی که از دور و نزدیک یکسان شنیده شود (و آن فریاد حجت حق است) او که رحمت برای مؤمنان و عذاب و عقوبت برای کافران.

۴ چهار حادثه پیش از قیام آن حضرت واقع می شود

۳۷ حمیری رحمه الله در قرب الاسناد، از بزنطی روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: علی بن ابی حمزه می پندارد که جعفر پنداشته است پدرم آن قیام کننده است، و جعفر ندانسته است که چه حوادثی به فرمان الهی رخ می دهد، خداوند تبارک و تعالی از زبان رسولش حکایت کرده است که گفت: «و نمی دانم که نسبت به

من چه می شود و نسبت به شما چه خواهد شد، و من پیروی نمی کنم جز آنچه را که به من وحی می شود».

و امام باقر علیه السلام می فرمود: چهار حادثه پیش از قیام قائم علیه السلام رخ می دهد و دلالت بر خروج آن حضرت می کند، از آنها سه حادثه اش گذشته و یکی باقی مانده است، عرض کردیم: آنهائی که گذشته چه بوده است؟ فرمود: ماه رجبی که در آن حاکم خراسان از حکومت خلع شد، ماه رجبی که علی بن زبیده حرکت کرد و ماه رجبی که محمد بن ابراهیم در کوفه خروج کرد عرض کردیم: پس ماه رجب چهارم متصل است به قیام قائم علیه السلام ؟ فرمود: این چنین فرمود حضرت باقرالعلوم علیه السلام .

۵ حادثه ای ، بین حرمین ایجاد می شود

۳۸ در همان کتاب، از بزنطی روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره قرب ظهور سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: حضرت صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام روایت کردند که فرمود:

اوّل علامت فرج در سال ۱۹۵ تحقق پیدا می کند، در سال ۱۹۶ عرب زمام خود را از دست می دهد، در سال ۱۹۷ نابودی و در سال ۱۹۸ ترک وطن و آوارگی، در سال ۱۹۹ خداوند بلا را برطرف می کند إن شاء اللّه و در سال ۲۰۰ آنچه بخواهد انجام دهد.

عرض کردیم: فدای شما شویم به ما خبر بده از آنچه در سال ۲۰۰

واقع می شود، فرمود: اگر بنا بود به کسی خبر دهم به شما خبر می دادم، من خبر داده شده ام به مکان و جایگاه شما در آن زمان و حوادث را می دانم ولی مصلحت در اظهار آن نیست، ولی هنگامی که خداوند تبارک و تعالی اظهار چیزی از حق را بخواهد بندگان او قادر به پنهان کردن آن نیستند.

عرض کردم: فدای شما شوم، شما به من فرمودید در سال اول ما و از پدر بزرگوار خود نقل کردید که پایان سلطنت آل فلان خواهد بود، آیا برای بنی فلان سلطنتی بعد از آن نیست.

فرمود: آن را برای تو گفتم، عرض کردم: خدا امر شما را اصلاح فرماید، هنگامی که سلطنت آنان منقضی گردد آیا یکی از قریش به حکومت می رسد؟ فرمود: نه.

عرض کردم: چه چیزی تحقق پیدا می کند؟

فرمود: آنچه تو و همفکرانت می گوئید خواهد شد،

عرض کردم: مقصودتان خروج سفیانی است؟ فرمود: نه،

عرض کردم: قیام قیام کننده است؟ فرمود: خدا آنچه بخواهد انجام دهد، عرض کردم: شما آن قیام کننده هستید؟ فرمود: هیچ نیرو و حرکت و جنبشی جز به وسیله خداوند نیست.

و فرمود: پیشاپیش این امر و از نشانه های فرج حادثه ای است که میان دو حرم (و در بعضی از نسخ میان دو مسجد یعنی مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله) واقع می شود، عرض کردم: چه حادثه ای؟ فرمود: فلانی از خاندان فلان ۱۵ نفر از پهلوان های عرب را می کشد.

۶ پرچم هائی که پیش از ظهور و قیام آن حضرت حرکت می کند

۳۹ شیخ مفید در ارشاد و شیخ طوسی در کتاب غیبت، خود از حسن بن جهم روایت کرده اند که گفت: از حضرت اباالحسن شخصی از فرج سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود: طولانی بگویم یا برایت خلاصه کنم؟ عرض کرد: می خواهم به اجمال بفرمائی،

فرمود: هنگامی که پرچم های قیس در مصر و پرچم های کنده در خراسان به حرکت در آیند.

۴۰ شیخ مفید رحمه الله در ارشاد از معمّر بن خلاد و او از حضرت اباالحسن علیه السلام روایت کرده است که فرمود: گویا پرچم هائی از مصر را می بینم که به رنگهای سبز به حرکت درآمده اند و به سوی شامات روانه گشته و به طرف فرزند صاحب وصیّات هدایت می شوند.

۷ پیشاپیش این امر بیوح (حرارت شدید یا قتل شدید) است

۴۱ نعمانی در کتاب غیبت، از بزنطی روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: پیشاپیش این امر «بیوح» است و من معنای بیوح را نفهمیدم اتفاقا به حج رفتم و در آنجا از عربی شنیدم که می گفت: امروز روز «بیوح» است،

به او گفتم: بیوح یعنی چه؟ گفت: یعنی گرمای زیاد.

۴۲ حمیری در کتاب قرب الاسناد، از بزنطی و او از حضرت رضا علیه السلام

روایت کرده است که فرمود: پیشاپیش این امر کشتار بیوح است، عرض کردیم: بیوح به چه معنا است؟

فرمود: یعنی پیوسته که بین آن فاصله نباشد.

۸ خروج سفیانی

۴۳ در همان کتاب، از بزنطی روایت کرده است که گفت: از حضرت اباالحسن علیه السلام سؤال کردم: آیا قائم علیه السلام بدون سفیانی قیام خواهد کرد؟ فرمود: امر قائم علیه السلام از امور حتمی الهی است، امر سفیانی نیز از امور حتمی خداوند است، و هرگز قیام قائم علیه السلام بدون خروج سفیانی نخواهد بود، عرض کردم: فدای شما شوم، آیا امسال واقع خواهد شد؟ فرمود: آنچه خدا بخواهد می شود، عرض کردم: سال آینده می شود؟ فرمود: خدا آنچه بخواهد انجام دهد.

۴۴ نعمانی در کتاب غیبت، از حسن بن جهم روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: خدا امر شما را اصلاح فرماید، مردم می گویند سفیانی قیام می کند وقتی که سلطنت بنی العباس تمام شده باشد، فرمود: دروغ گفته اند، او قیام می کند در حالی که سلطنت آنها باقی و پابرجا است.

۴۵ در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام و پنج علامت دیده می شود:

خروج سفیانی، قیام یمانی، خروج مروانی، شعیب بن صالح

و ظاهر شدن دستی از آسمان به گونه ای که افراد آن را به یکدیگر نشان دهند.

۹ صیحه و ندای آسمانی

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۵ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: ندائی بلند شود که دور و نزدیک به طور یکسان آن را بشنوند.

و در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۴ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: مهدی کسی است که منادی به اسم او ندا کند و مردم را به سوی دعوت کند و بگوید: آگاه باشید که حجت خدا ظاهر گشته است، و آن ندا را همه اهل زمین بشنوند.

۱۰– دجّال در روایت آن حضرت

در کتاب صحیفه الرضا علیه السلام ، از آن حضرت نقل کرده است که ایشان از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

کسی که با ما در آخرالزمان سر ستیز داشته باشد همانند کسی است که زیر پرچم دجّال به جنگ ما آمده باشد.

۷. احوال شیعه و مؤمنین در غیبت آن حضرت

۱ قلب مؤمن در آن زمان از غصه آب می شود

۴۶ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب امالی، به سند خود از حضرت رضا و آن حضرت از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

زمانی می آید بر مردم که قلب مؤمن در درونش آب می شود همان طور که مس در آتش آب می شود و این نیست جز بخاطر بدعتها و نوآوری هائی که در دین مشاهده می کند و نمی تواند آنها را تغییر دهد.

۴۷ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، به سند خود از حضرت ابا الحسن علیه السلام روایت کرده است که فرمود: آگاه باشید، به خدا قسم آن چیزی که به آن چشم دوخته اید نخواهد شد تا آنکه جدا گردید و با امتحان آشکار شوید، و جز اندکی از شما باقی نماند سپس این آیه را تلاوت فرمود: «آیا پنداشته اید که وارد بهشت خواهید شد در حالی که خداوند مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است» .

۴۸ نعمانی رحمه الله در کتاب غیبت، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: به خدا قسم، آنچه به سوی آن چشم دوخته اید تحقق پیدا نمی کند تا آنکه آزمایش و امتحان شوید و خالص و ناخالص از یکدیگر جدا گردید و تا آنکه جز اندك و خیلی اندك از شما باقی نماند.

۴۹ کلینی رحمه الله در کتاب کافی، از معمّر بن خلّاد روایت کرده است که گفت: از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که فرمود:

«آیا مردم پنداشته اند که چون گفتند ایمان آوردیم آن ها را رها می کنند وامتحان نمی شوند».

سپس به من فرمود: مقصود از فتنه و امتحان چیست؟

عرض کردم: فدای شما شوم آنچه نزد ما است این است که مقصود امتحان در دین است، فرمود: در کوره امتحان قرار داده می شوند همان طور که طلا را در کوره قرار می دهند تا نوع خوب آن را از نوع بد بشناسند و خالص می شوند همان طور که طلا خالص می شود.

۳ ارتداد بیشتر کسانی که قائل به امامت آن حضرت هستند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۲ ذکر شد) از آن حضرت، و ایشان از پدرانش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمودند:

... تا آنکه بیشتر مردم بگویند: خدا را نیازی به آل محمّد علیهم السلام نباشد و دیگران در ولادت او دچار تردید شوند.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۱۴ ذکر شد) از آن حضرت روایت کرده است که فرمود:

او کسی است که مردم در ولادتش شک و تردید می کنند.

شیخ مفید رحمه الله در کتاب ارشاد، (با سندی که در ح۳۳ گذشت) از حضرت

رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: گفته می شود: مرده است، یا کشته شده و یا معلوم نیست به چه راهی رفته است.

نعمانی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح ۳۰ ذکر شده) از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: تا آنکه گفته می شود: غایب گردیده و از دنیا رفته است و می گویند: امامی نیست...

۴ پناهگاهی برای آنان نیست که به آن پناه ببرند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب علل الشرایع، (با سندی که در ح۲۷ گذشت) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

گویا شیعیان را می بینم هنگامی که سومین فرزند مرا از دست داده اند به دنبال پناهگاهی باشند و آن را نجویند.

و در کتاب کمال الدین، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: شیعیان را می بینم در دوران از دست دادن سومین فرزندم که مانند گله ای بی چوپان در جستجوی پناهگاهی باشند و آن را نیابند.

۸. وظایف شیعه در دوران غیبت امام علیه السلام

۱ معرفت و شناخت آن حضرت

۵۰ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و برایش امامی از فرزندان من نباشد به مرگ جاهلیت مرده است و به آنچه در جاهلیت و اسلام عمل کرده مؤاخذه می شود.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در جواب مأمون در ضمن مطالبی مرقوم داشتند: کسی که بمیرد و آنان را نشناسد به مرگ جاهل از دنیا رفته است.

۲ ملتزم بودن به دین

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۲ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمود: هر کس در دوران غیبت او قرار گرفت باید تمام تلاشش این باشد که دین خود را به هر قیمتی حفظ کند و آن را رها نکند و به آن پای بند باشد.

۳ انتظار فرج آن حضرت علیه السلام

۵۱ و در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام به سند خود از حضرت رضا علیه السلام و ایشان از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

برترین و با ارزش ترین عمل امت من انتظار فرج است که آن را خداوند برساند.

۵۲ و در کتاب کمال الدین، به سند خود از محمد بن فضیل روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره مطلبی از فرج سؤال کردم، فرمود: آیا نمی دانی که انتظار فرج خودش از فرج است و نوعی فرج است، سپس فرمود: همانا خداوند عزّوجلّ می فرماید: «منتظر باشید که من با شما از منتظرین هستم».

۵۳ صدوق رحمه الله در کمال الدین، (با سندی که در ح۵۵ می آید) از بزنطی نقل کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

چه نیکو است شکیبائی و انتظار فرج.

۵۴ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، به سند خود از حسن بن جهم روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام درباره مطلبی از فرج سؤال کردم، فرمود: آیا نمی دانی که انتظار فرج از فرج است؟

عرض کردم: نمی دانم مگر آنچه را که به من تعلیم فرمائی.

فرمود: آری، انتظار فرج از فرج و خود نوعی فرج است.

۴ عدم تعیین وقت ظهور

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۸ ذکر شد) از دعبل و او از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: اینکه پرسیدی «چه وقت» این خبر دادن از وقت است و ممنوع می باشد.

۵ صبر و پایداری در غیبت آن حضرت علیه السلام

و نیز در کتاب مذکور، (با سندی که در ح۲۴ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: در آن دوران ثابت نمی ماند بر دینش جز کسانی که اهل اخلاص و برخوردار از روح یقین باشند، و خداوند از ایشان عهد و پیمان نسبت به ولایت ما گرفته باشد.

۵۵ حمیری رحمه الله در کتاب قرب الاسناد، از بزنطی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم، اصحاب ما از جدّ شما روایت کرده اند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی إبا دارد و خودداری می کند از اینکه به ملك کسی در آورد آنچه را که به ملك رسول خدا صلی الله علیه و آله در آورد بیست و سه سال.

فرمود: اگر امام صادق علیه السلام آن را فرموده اند همان طور خواهد بود، عرض کردم: فدای شما شوم، شما چه می فرمائید؟

فرمود: چه قدر نیکو است شکیبائی و انتظار فرج آیا گفته بنده صالح را نشنیده ای که فرمود: «چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم» و «منتظر باشید که من با شما از منتظرین هستم» .

پس بر شما باد به صبر و شکیبائی، بدون تردید فرج در حال یأس و ناامیدی تحقق پیدا می کند و پیشینیان شما از شما شکیباتر بودند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: به خدا قسم سنن الهی مو به مو اجرا خواهد شد و به ناچار در میان شما آن اموری خواهد بود که در پیشینیان شما بوده است، و اگر شما بر امر واحدی باشید بر سنتی که پیشینیان بوده اند نخواهید بود، و اگر عالمان دینی کسانی را بیابند که آنها را حدیث کنند و اسرار خود را پنهان بدارند هر آینه حدیث کرده و حکمت را منتشر ساخته اند، ولی خداوند شما را به ازاعه و افشاگری مبتلا ساخته است و شما گروهی هستید که به دلهایتان ما را دوست می دارید ولی با اعمال مخالفت می کنید.

چه شده است، چرا شما مالك نفس خود نیستید و صبر نمی کنید تا خداوند آنچه را که می خواهید فراهم فرماید، همانا این امر بر طبق اراده مردم و خواست آنان صورت نمی گیرد، این امر خداوند تبارك و تعالی است و بستگی به قضاء امر و صبر او دارد و همانا کسی که از دست رفتن چیزی نگران است در آن شتاب می کند، و خدا که چنین نیست.

۵۶ و در همان کتاب، از بزنطی روایت کرده است که گفت: از

حضرت رضا علیه السلام از مسأله ای درباره رؤیا سؤال کردم و او از پاسخ آن خودداری نمود، سپس فرمود:

ما اگر آنچه شما می خواهید به شما عطا کنیم شرّ است برای شما و گردن صاحب این امر گرفته خواهد شد، و فرمود: شما در عراق هستید و اعمال این فرعون ها را مشاهده می کنید و می بینید که چه قدر به آنها مهلت داده شده است، پس بر شما باد به تقوای الهی و دنیا شما را فریب ندهد، و نسبت به کسی که به او مهلت داده شده مبادا دچار غرور شوید پس گویا آن امر به شما نرسیده است.

۶ اندوه و گریه در غیبت آن حضرت علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۵ ذکر شده) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: بر آن حضرت اهل آسمان و زمین و هر عاشق دلباخته و هر اندوهگین دلسوخته می گرید، چه بسیار افراد مؤمنی که با از دست دادن آن آب گوارا دچار حزن و حیرتند و تأسف می خورند.

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: چه بسیار مردمان با ایمانی که هنگام از دست دادن آن آب گوارا اندوهگین و پریشان و غصّه دار هستند.

۷ دعا برای آن حضرت علیه السلام و فرج ایشان

۵۷ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مصباح المتهجد، از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که گفت: حضرت رضا علیه السلام همواره سفارش می نمود و امر می فرمود که برای حضرت صاحب الأمر به دعائی که در ذیل آورده می شود دعا کنند.

خداوندا؛ از ولیّ خود و جانشین خویش، و حجّتت بر آفریدگانت، و زبان گویایت که از تو حکایت می کند، و به حکمت تو گویا است، و چشم بینایت که نظاره گر بندگان تو است، وگواه تو بر مخلوقاتت، آن بزرگمرد مجاهد که پناه آورنده به تو است دفاع کن، و او را از شرّ آنچه آفریده ای و پدید آورده ای، و ایجاد کرده ای و صورت بخشیده ای پناه بده، و او را از پیش روی و پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ، و از بالا و پائین محافظت فرما؛ به حفظ و حراستی که هر کس را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نگردد، و در سایه آن پیامبرت و پدران او را که پیشوایان مردم از طرف تو هستند و ارکان دینت می باشند حفظ کن و نگهدار. و او را در امانت و سپرده خودت که ضایع نمی شود، و در سایه و جوارت که مورد تعرّض قرار نگیرد، و در حمایت و عزّت خویش که هرگز مقهور و مغلوب نشود قرار ده، و او را به امان مورد اطمینان خود ایمن بدار که هر کس را به آن ایمن داری هرگز سرکوب نشود، و او را در کنف عنایت خود قرار بده که هر کس در آن قرار گرفت مورد تجاوز واقع نشود، و او را به

نصـرت قوی و نیرومنـدت یاری کن، و به لشـکر پیروزمنـدت تأییـد نما، و به نیروی خویش نیرومنـد فرما، و فرشـتگانت را با او همراه ساز، و دوست بدار هر کسی که او را دوست دارد، و دشمن بدار هر کسی که با او دشمنی کند، و به او زره محکم خود را بپوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان احاطه کن. خداوندا؛ او را برسان به مقامی برتر از آنچه برپادارندگان عدالت از پیروان پیامبران را رسانده ای. خداوندا، پراکندگی امور ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او به پیوستگی تبدیل کن، و ظلم و سـتم را به وسیله او بمیران، و عدل و داد را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با طولانی ماندن او زینت بده، و او را با یاریت تأییـد کن، و به وسـیله رعب (بر دل ها) او را پیروز نما، و یارانش را نیرومنـد فرما، و آن ها را که دست از یاری او برداشتند خوارگردان، و هر کس آشکارا با او دشمنی می کند یا به جنگ برخاسته هلاک کن، و هر کس خدعه و خیانت می کند نابود گردان، و به وسـیله او زورگویان کافر و اسـتوانه ها و ارکان آنها را به هلاکت برسان، و به وسـیله او سران و رؤسای گمراهی، و بدعت گزاران، و از بین برندگان سنّت، وتقویت کنندگان باطل را درهم بشـکن، و زورگویان را به وسیله او ذلیل کن، و ریشه کن ساز به وسیله او کافران و تمام ملحدان را در شرق و غرب عالم، و در خشکی و دریای آن، و در کوه و بیابان آن، تا آنکه کسـی از آنان را باقی نگذاری، و برای آنان اثری بجای نماند. خداوندا؛ شـهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و (سینه) بندگانت را از آنان شفا بخش، و

مؤمنان را به واسطه آن حضرت عزیز فرما، و سنّت های رسولان، و حکمت های مندرس گشته پیامبران را به وسیله او زنده نما، و آنچه از دین تو محو و نابود گشته، و از حکم و فرمانت دگرگون شده بازسازی فرما؛ تا آنکه دین تو به وسیله او و با دست مبارکش دوباره تازه و خرّم و صحیح و بی آلایش اعاده شود؛ به گونه ای که در آن هیچ کجی نباشد، و بدعتی در آن راه پیدا نکند، و تا آنکه تاریکی های ظلم و ستم به نور عدالت او روشن شود، و آتش کفر به وسیله او خاموش گردد، و پیچیدگی های حقّ و ناشناخته مانده های عدل به وسیله او واضح و آشکار شود، زیرا آن حضرت، بنده ای است که تو او را برای خود خالص گردانیدی، و از میان آفریدگانت اختیار فرمودی، و بر بندگانت برگزیدی، و بر غیب خویش امین دانستی، و از گناهان او را عصمت دادی و حفظ کردی، و ساحتش را از هر گونه عیبی مبرّا ساختی، و از هر نوع پلیدی او را پاک نمودی، و از آلودگی سالم داشتی. خداوندا؛ ما روز قیامت و روزی که آن حادثه وحشت زای بزرگ فرا رسد، برای او گواهی می دهیم که هرگز گناهی نکرده و خطا و جرمی انجام نداده، و معصیت و نافرمانی مرتکب نشده، و هرگز طاعتی را برای تو از دست نداده، و (با نافرمانی) حرمت تو را هتک نکرده، و فریضه ای از فرایض تو را دگرگون نساخته، و قانونی از قوانینت را تغییر نداده است، و بدون تردید او هدایت گری هدایت یافته، پاکیزه، باتقوا، پاک سرشت، پسندیده و آراسته است. خداوندا؛ عطا کن او را در مورد خودش و

خاندانش، و فرزندانش، و ذریّه اش، و اُمّتش و همه کسانی که تحت سرپرستی او هستند؛ آنچه را که چشم او را به آن روشن نمایی، و جانش را به آن خشنود کنی، و برای او فرمانروائی همه ممالک؛ نزدیک و دور آن را، و عزیز و خوارش را فراهم فرما، تا آنکه حکم و فرمان او بر هر حکم و فرمانی جاری گردد، و حقّ او هر باطلی را مغلوب گرداند. خداوندا؛ ما را با دست مبارک او بر راه روشن هدایت، و شاهراه شریعت، و جادّه وسط که دور از افراط و تفریط است، وتندروها باید به سوی آن بازگردند، و عقب مانده ها خود را به آن برسانند روان ساز، و ما را بر اطاعت او نیرومند، و بر همراهی او ثابت و استوار گردان، و به پیروی او بر ما منّت گذار، و ما را از حزب او که به امر و فرمانش قیام کننده اند، (و) در راه او شکیبایند، و با خیرخواهی و دلسوزی نسبت به او رضا و خشنودی تو را طالبند قرار بده، تا آنکه روز قیامت ما را در زمره یاران و مددکاران و تقویت کنندگان سلطنت و حکومت او محشور گردانی. خداوندا؛ همه اینها را که از تو خواستیم برای ما خالص و پاک از هر شکّ و شبهه قرار بده که نخواهیم با آن خودنمایی کنیم، و نخواهیم به گوش دیگران برسد، تا آنجا که به خاطر آن به غیر تو تکیه و اعماد نداشته و به وسیله آن جز خشنودی تو را طلب نکنیم، و تا آنکه در جایگاه او ما را وارد نمائی، و در بهشت با او قرار دهی، و ما را از خستگی و بی حوصلگی و سستی پناه بده، و از کسانی که دینت را به وسیله او یاری می کنی، و نصرت و پیروزی ولیّت را تقویت می نمائی قرار بده،

و غیر مـا را جایگزین ما مگردان، که این جایگزینی برای تو ساده و آسان، و بر ما بسـی دشوار است. خداونـدا؛ درود فرست بر والیان و فرمانـداران او، و پیشوایان از فرزنـدان او، و ایشان را به آرزوهایشان برسان، و بر مـدّت عمرشان بیفزا، و پیروزی ایشان را تقویت فرمـا، و آنچه را به ایشان مربوط ساخته ای در امر و فرمانت برای ایشان کامل گردان، و پایه ها و اساس کار ایشان را ثابت و اسـتوار نما، و ما را مـددکار آنان، و یاور دینت قرار بـده، که بدون تردید ایشان معدن های کلمات تو، و ارکان توحید تو، و سـتون هـای دین تو، و کارگزاران و والیان امر تو، و بنـدگان خالص تو، و برگزیـده از میان آفریـدگان تو، و اولیای تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیده از میان فرزندان رسولان توأند، و درود و رحمت و برکات بی پایان الهی بر همه آنان باد.

دعای قنوت امام رضا علیه السلام :

ابن مقاتل گوید: حضـرت امام رضا علیه السلام فرمودند: در قنوت نماز جمعه، چه دعایی می خوانی؟ عرض کردم: آنچه مردم می گویند.

فرمود: تو آنچه را آن ها می گویند نگو، بلکه این دعا را بخوان:

خداوندا، برای بنده و جانشـین خودت کارسازی کن، آنگونه که برای پیامبران و رسولانت به شایسـتگی کارسازی فرمودی. و گرداگرد او فرشـتگانت را قرار بده، و او را از ناحیه خود به روح القدس تأیید فرما، و از پیش رویش و پشت سرش مراقبانی را همراه او گردان تا از هر بدی او را حفظ کنند، و آرامش و آسودگی را جایگزین ترس و بیم او گردان، تا (هر کس) تنها تو را عبادت و بندگی کند. و چیزی را

با تو شریک نگرداند، و برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولیّت سلطنت قرار مده، و به او اجازه جهاد با کسی که دشمن تو و او است مرحمت فرما. و مرا از یاوران او قرار ده، که تو بی گمان بر هر چیزی توانایی.

۸ رعایت تقیّه

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۴ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود:

هر کس پیش از خروج قائم ما تقیه را ترک کند از ما نیست.

۹ ملازم خانه بودن و خروج نکردن

۵۸ کلینی رحمه الله در کتاب کافی، به سند خود از محمد بن عبداللّه روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم پدرم مرا از پدران بزرگوار شما حدیث کرد که به بعضی از آنان گفته شد: در شهر ما محلی برای مرزبانی است که به آن قزوین گفته می شود و دشمنی است که به آن دیلم گفته می شود، آیا جهادی بر ما هست یا لازم است مرزبانی؟ امام علیه السلام فرمود:

بر شما باد به حج بیت اللّه، راوی کلامش را سه بار تکرار کرد و امام علیه السلام در هر مرتبه به او فرمود: بر شما باد به حج خانه خدا.

سپس در مرتبه سوم فرمود: آیا راضی نیست یکی از شما که در

خانه اش باشد و بر عیالش انفاق نماید در حالیکه منتظر امر ما است، پس اگر ظهور را درک کرد مانند کسی است که در بدر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و اگر آن دوران را درک نکرد مانند کسی باشد که با قائم ما و در خیمه آن حضرت بوده است این گونه و این گونه و دو انگشت سبابه اش را کنار هم قرار داد.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: او آنچه را که ذکر کرده است گفته و درست است.

۵۹ صدوق رحمه الله در معانی الاخبار، از حسین بن خالد روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم، حدیثی است که آن را عبداللّه بن بکیر از عبید بن زراره روایت کرده است، فرمود: آن حدیث چیست؟ عرض کردم: از عبید بن زراره روایت شده است که با امام صادق علیه السلام در سالی که در آن ابراهیم بن عبداللّه خروج کرده بود ملاقات کرد و به آن حضرت عرض کرد: فدای شما شوم این شخص سخنانی گفته و مردم به سوی او شتافته اند، شما چه می دهید.

فرمود: تقوا پیشه کنید و آرام بگیرید تا مادامی که آسمان و زمین آرام گرفته است، و عبیداللّه بن بکیر می گفته است: به خدا قسم اگر عبید بن زراره راست گفته باشد پس نه خروجی خواهد بود و نه قائم و قیام کننده ای.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: حدیث مطابق آن چیزی است که عبید

روایت کرده ولی تأویل عبـداللّه بن بکیر درست نیست، همانـا امـام صـادق از آنچه فرموده انـد مقصودشان این است که آرام بگیرید تا مادامی که آسمان از ندا به اسم صاحب شما آرام گرفته و زمین از فرو بردن لشکر سفیانی آرام گرفته است.

۶۰ شـیخ طوسـی رحمه الله در کتاب أمالی، به سـند خود از حسـین بن خالد روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: عبداللّه بن بکیر حدیثی را روایت می کرد و آن را تأویل می نمود و من دوست دارم به محضر شما عرضه بـدارم، امـام علیـه السـلام فرمـود: چه حـدیثی؟ عرض کردم: ابن بکیر گفت: عبیـد بن زراره برایم حـدیث کرد که ایّام خروج محمّـد بن عبداللّه نزد امام صادق علیه السـلام بودم، شخصـی از اصـحاب ما بر آن حضـرت وارد شد و عرض کرد: فدای شـما شوم، محمّـد بن عبـداللّه خروج کرده و مردم دعوت را اجـابت کرده انـد، نظر مبـارک شـما چیست؟ امـام صـادق علیه السـلام فرمودند: آرام بگیر تا مادامی که آسمان و زمین آرام گرفته است.

عبداللّه بن بُکَیْر گفت: اگر مطلب این گونه است و تا مادامی که آسمان و زمین آرام است نباید خروج کرد پس قائم و خروج قائم نیز نیست.

حضـرت رضا علیه السلام فرمودند: فرمایش امام صادق علیه السلام درست است ولی مطلب آن گونه که ابن بکیر تأویل نموده نیست، همانا امام صادق علیه السلام فرموده اند: آرام بگیر تا مادامی که آسمان از نداء و زمین از

فرو بردن لشکر سفیانی آرام گرفته است.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: خضر از آب حیات نوشیده است و تا روز نفخه صور زنده خواهد بود، او همواره نزد ما می آید و برای ما سخن می گوید، صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم، او هر کجا یاد شود آنجا حضور پیدا می کند و لذا هر کس او را یاد کرد خوب است به او سلام بگوید، همه ساله در موسم حج شرکت می کند و اعمال آن را انجام می دهد، در عرفات می ایستد و به دعای مؤمنان آمین می گوید، خداوند او را انیس و همدم قائم ما قرار می دهد و به وسیله او وحشت و غربت او را برطرف می سازد.

۹. ظهور آن حضرت علیه السلام

۱ شکل و شمایل آن حضرت در هنگام خروج

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، به سند خود از هروی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: علامت و نشانه قیام کننده شما در هنگام خروج چیست؟

فرمود: علامت او این است که در سنین پیری است ولی به نظر جوان می آید به گونه ای که هر کس به او نگاه کند می پندارد چهل سال کمتر از سنّ او گذشته است و از علامات و نشانه های او این است که گذشت ایام در او اثر نمی گذارد و تا هنگام اجل پیر و فرسوده نمی گردد.

و در همان کتاب، (با سندی که در ح۱۳ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

و همانا قائم علیه السلام کسی است که هنگام خروج در سنین پیری است ولی به شکل جوان ظاهر می گردد.

۲ در هنگام خروج آن حضرت همه باید به سوی او حرکت کنند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح۲۱ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و ایشان از پدرانش علیهم السلام از نبی مکّرم اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در ضمن حدیثی فرمود:

بندگان خدا، خدا را، خدا را در نظر داشته باشید و به سوی آن حضرت بشتابید اگر چه لازم باشد سینه خیز به روی برفها و یخ ها حرکت کنید، زیرا که او خلیفه الهی و جانشین من است.

۱۰. سیره و اخلاق و خصوصیات زمان آن حضرت علیه السلام

۱- پادشاهی و سلطنت آن حضرت علیه السلام

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح۲۳ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام ، از پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند: در معراج خداوند تبارك و تعالی در قسمتی از فرمایشات خود فرمود: ... او را مالك شرق و غرب عالم می نمایم ... سپس حکومت او را استمرار می بخشم و روزگار را در میان اولیاء خود تا روز قیامت می گردانم.

۶۱ حائری یزدی در کتاب الزام الناصب، از أمیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: مهدی علیه السلام شرق و غرب عالم را در اختیار خود قرار می دهد و مالك می گردد.

۲ یاوران آن حضرت از ملائکه علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله در علل الشرایع، (با سندی که در ح۳۳ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرانش علیهم السلام ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در معراج خداوند تبارك و تعالی فرمود: او را با لشکر خودم یاری می نمایم و به وسیله فرشتگانم کمک می رسانم تا دعوتم را آشکار سازد و خلق را بر توحید من متّحد نماید.

و نیز در کتاب امالی و عیون، (با سندی که در ح۳۲ ذکر شد) از حضرت

رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: از ملائکه چهار هزار نفر برای یاری امام حسین علیه السلام فرود آمدند و به آنها اجازه جنگ نداد، آنها در اطراف قبر مبارک آن حضرت پریشان و غبارآلود هستند تا آن قیام کننده قیام نماید و اینها از یاران او خواهند بود و شعارشان «خوانخواهی امام حسین علیه السلام » است.

۳ قدرت و توانائی آن حضرت علیه السلام وآنچه در اختیار او می باشد

شیخ صدوق رحمه الله در علل وعیون (با سندی که در ح۲۳ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السلام ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

در معراج خداوند تبارک و تعالی در ضمن کلماتی فرمود: بادها را مسخّر و ابرها را رام او می گردانم، درهای آسمان و راه های آن را به روی او می گشایم.

در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۴ گذشت) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: او کسی است که زمین زیر پایش پیچیده می شود و سایه برایش نمی باشد.

۴ نزد آن حضرت میراث پیامبران علیهم السلام است

در همان کتاب، (با سندی که در ح۱۳ گذشت) از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود:

عصای موسی و خاتم سلیمان به همراه او می باشد.

۵ در گردن آن حضرت علیه السلام بیعتی برای کسی نیست

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۲۷ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود:

... تا آنکه برای کسی در گردن آن حضرت بیعتی نباشد هنگامی که با شمشیر قیام کند.

۶ زمین را از لوث کفر و ستم پاک می گرداند

در کتاب علل الشرایع، (با سندی که در ح۲۳ وسه حدیث پیش از این ذکر شد) فرموده است:

زمین را به آخرین آنان از دشمنانم پاک می گردانم.

در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۴ گذشت) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود:

خداوند زمین را به وسیله او از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پاکیزه می گرداند.

و در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۸ گذشت) از دعبل روایت کرده است که گفت: شنیده ام امامی از شما خروج می کند و زمین را از هرگونه فساد پاک می گرداند.

۷ دستان بنی شیبه را آن حضرت علیه السلام قطع می کند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب علل الشرایع، (با سندی که در ح۶۳ می آید) از

حضـرت رضا علیه السـلام روایت کرده است که فرمود: به بنی شـیبه آغاز می کنـد و دسـتان ایشان را قطع می نمایـد زیرا آنها دزدان خانه خدا هستند.

۸ ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل می رساند

۶۲ شـیخ صدوق در علل وعیون، به سـند خود از هروی روایت کرده است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نظر شما درباره حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به کار پدرانشان می کشد» چیست؟ امام علیه السلام فرمود: مطلب همان است.

عرض کردم: پس این فرمایش خداوند که فرموده: «هیچ گنه کاری گناه دیگری را متحمّل نمی شود» معنایش چیست؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: خداوند در چمیع گفتارش صادق است ولی باقیمانده از نسل قاتلان امام حسین علیه السلام به کار پدرانشان راضـی و خوشـنودند و به آن افتخار و مباهات می کنند و هر که به امری رضایت داشـته باشد مانند آن است که آن را انجام داده است، و اگر کسـی در مشـرق کشـته شود و در مغرب شخصـی به آن قتل راضـی باشـد نزد خداوند تبارک و تعالی شـخص راضـی با قاتل شـریک خواهد بود، و حضرت مهدی علیه السلام هم که باقیمانده از نسل قاتلان امام حسین علیه السلام را می کشد از این باب است که آن ها به فعل پدران خود رضایت دارند.

عرض کردم: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند ابتدا با چه گروهی درگیر می شود؟ فرمود: با بنی شیبه و دستهای آنها را قطع می کند زیرا آنها دزدان خانه خدا هستند.

۹ مردم با نور جمال آن حضرت علیه السلام

از روشنائی خورشید بی نیاز می شوند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۲ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

هنگامی که قائم ما خروج کند زمین به نور مبارک او نورانی و درخشان می شود.

۱۰ گسترش عدالت به وسیله آن حضرت علیه السلام

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۴ گذشت) از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: او قیام کننده به حق، آشکار کننده دین و گسترش دهنده عدالت است.

و نیز در همان کتاب، (با سندی که در ح۱۴ ذکر شد) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

او میزان عدالت را در میان مردم قرار می دهد و آنگاه هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند.

۱۱ او زمین را پر از عدل و داد می کند

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام ، (با سندی که در ح ۲۰ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام وآن حضرت از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: او زمین را پر از عدالت خواهد نمود همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۸ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: تا آنکه آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدالت نماید همان طور که پر از ستم گردیده باشد.

در کتاب کمال الدین، (با سندی که در ح۱۳ ذکر شد) از آن حضرت علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند: سپس او را ظاهر می گرداند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

در همان کتاب، (با سندی که در ح۲۸ گذشت) از دعبل روایت کرده است که گفت: شنیده ام امامی از شما خروج می کند و زمین را از هرگونه فساد پاک می گرداند و آن را پر از عدل می کند همان طور که پر از ستم شده باشد.

۱۲ او غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام را برطرف خواهد کرد

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین (با سندی که در ح۲۹ ذکر شد) از

دعبل خزاعی روایت کرده است که حضرت رضا علیه السلام دو بیت به اشعار او افزودند، در بیت دوّم فرمودند: سوز دل ما باقی است تا خداوند قیام کننده ما را ظاهر سازد و او غم و اندوه ما را برطرف نماید.

۱۳ او رحمت برای اهل ایمان و عذاب برای کافران است

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، (با سندی که در ح۲۵ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمودند:

ایشان رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران می باشد.

۱۴ خوارک و پوشاک آن حضرت علیه السلام

۶۳ نعمانی رحمه الله در کتاب غیبت، به سند خود از معمّر بن خلّاد روایت کرده است که گفت: در محضر نورانی حضرت رضا علیه السلام بودیم و سخن از حضرت قائم علیه السلام به میان آمد، فرمودند: شما امروز در رفاه و آسایش بیشتری هستید، هنگامی که قائم ما قیام کند خون جاری شدن بخاطر جراحات و عرق ریختن بر اثر تلاش و کوشش و خوابیدن بر روی ذین است، لباس او خشن و غذایش ناملائم خواهد بود.

۱۵ حال شیعه و مؤمنین در عصر ظهور آن حضرت علیه السلام

۶۴ طبری در کتاب دلائل الامامه، به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند به فرشتگان دستور می دهد که بر مؤمنین سلام کنند و با آنها در مجالسشان بنشینند، و هرگاه یکی از آنها مشکلی داشته باشد حضرت بعضی از فرشتگان را بفرستند تا او را به دوش بگیرند و نزد امام علیه السلام بیاورند و چون مشکل او برطرف شد او را باز می گردانند، بعضی از مؤمنین به وسیله ابرها حرکت می کنند، و بعضی با ملائکه پرواز می کنند و برخی دیگر با آنها راه می روند، در میان آنان کسانی هستند که از ملائکه پیشی می گیرند، و کسانی هستند که ملائکه برای داوری نزد آنان می آیند، و به طور کلّی مؤمن نزد خداوند گرامی تر از ملائکه است، و از آنان مؤمنین کسانی هستند که امام علیه السلام او را میان هزار نفر از ملائکه قاضی قرار می دهد.

۱۱. رجعت

۱ رجعت به طور مطلق

۶۵ شیخ صدوق رحمه الله در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام ، به سند خود از حسن بن جهم روایت کرده است که مأمون از حضـرت رضا علیه السـلام سؤال کرد: نظر شما درباره رجعت چیست؟ حضرت فرمودند: حق است. رجعت در امتهای پیشین بوده و قرآن به آن ناطق است و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمودند: هر آنچه در امتهای پیشـین واقع شده در این امت نیز همان گونه تحقق پیدا می کند.

و فرمود: هنگامی که مهدی از فرزندان من ظاهر شود عیسـی بن مریم از آسـمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

و فرمود: اسلام غریبانه شروع شد و به زودی غریب می گردد و خوشابحال غریبان یعنی آنانکه در مسیر اسلام ثابت بمانند.

عرض کردند: ای رسول خدا سپس چه اتفاقی روی می دهد، فرمود: حق به اهل آن باز خواهد گشت...

۶۶ حمیری در قرب الاسـناد، از حضـرت رضا علیه السـلام و آن حضـرت از امام باقر علیه السـلام روایت کرده ند که فرمود: به خدا قسم اینها سنن إلهی هستند و ناگزیر در میان شما هم به وقوع می پیوندد آنچه در میان امتهای پیشین واقع شده است.

۶۷ شـیخ حسن بن سـلیمان در کتاب مختصر البصائر، به سند خود از صفوان روایت کرده است که گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که

درباره رجعت فرمود: هر کدام از مؤمنین که با مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد در رجعت با کشته شدن دنیا را ترک می کنند و هر کدام با کشته شدن از دنیا رفته در رجعت با مرگ طبیعی از دنیا می رود.

۶۸ صدوق رحمه الله در کتاب صفات الشیعه، به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که... هر کس به توحید إلهی اقرار کند،... و به رجعت و دو متعه حج و نساء اعتراف نماید.

و به سوال قبر و حوض کوثر و شفاعت و بهشت و دوزخ و صراط و میزان و برانگیخته شدن و محشور شدن و جزاء و حساب ایمان داشته باشد او مؤمن واقعی و از شیعیان ما اهل بیت است.

۶۹ کلینی رحمه الله در کتاب کافی، (با سندی که در ح ۱۶ ذکر گردید) از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند: و اگر آن سرور اهل عالم یعنی حضرت بقیه اللّه ارواحنا له الفداء قیام کند خوهد گفت:

«وای بر ما چه کسی ما را از میان آرامگاهمان برانگیخت، این همان وعده خداوند رحمان است و فرستاده شدگان او راست گفتند.

۷۰ شیخ عبداللّه بحرانی صاحب کتاب عوالم، گوید: استادم علامه بزرگوار محمّد باقر مجلسی رحمه الله فرموده است: به خط بعضی از بزرگان به نقل از شهید ثانی یافتم که صفوانی در کتاب خود به سند خود از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که از ایشان درباره تفسیر آیه شریفه «پروردگارا ما را دوبار میراندی، و دوبار زنده کردی» پرسیدند فرمود: به خدا قسم این آیه درباه رجعت است.

۷۱ استرآبادی در کتاب «رجعت» ، از شیخ طوسی نقل می کند که در

کتاب مصباحش از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است گفت: حضرت رضا علیه السلام دستور می داد برای صاحب الأمر این دعا را بخوانند: اللّهمّ ادفع عن ولیک وخلیفتک و حجتک.... اللّهمّ وصلّ علی ولاه عهده وبلّغهم امالهم، وزد فی اجالهم وانصرهم...

بعدگفته است: بدان این دعا برای هر امامی در زمان خودش می شود خواند و مولای ما صاحب الزمان علیه السلام یکی از آنان است ولذا بر آن حضرت صدق می کند که بگوئیم: خداوندا بر ولاه عهده او و امامان بعد از او.... درود فرست، و اگر چین نباشد این دعا عام نیست و همه را شامل نشده است و این نص است به اضافه روایاتی که از آنان روایت شده و صریح است در این معنا که رجعت امامان علیهم السلام باشد.

۷۲ شیخ صدوق رحمه الله در عیون أخبار الرضا علیه السلام ، از آن حضرت روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: در این امت خواهد بود آنچه در امتهای پیشین بوده است بدون هیچگونه اختلافی.

۷۳ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب غیبت، به سند خود از حسن بن علی خزّار روایت کرده است که گفت: علی بن ابی حمزه بر حضرت رضا علیه السلام وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستید؟ فرمود: آری. عرض کرد: از جد شما حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: امام نمی باشد کسی که برایش فرزندی باشد. امام علیه السلام فرمود: ای پیر مرد آیا فراموش کردی یا خود را به فراموشی می زنی.

امام صادق این گونه نفرمودند بلکه فرمودند: امام نمی باشد مگر آنکه برایش فرزندی باشد جز امامی که در زمان او حسین بن علی علیه السلام

رجعت می کنـد. که برای او دنباله یعنی فرزنـدی که امام باشـد نیست. عرض کرد: فدای شـما شوم درست فرمودید: همینگونه که فرمودید از جد شما شنیدم.

۲ رجعت امیر المؤمنین علی علیه السلام

۷۴ شـیخ طوسـی رحمه الله در کتـاب غیبت، (بـا سـندی که در ح۲۵ ذکر شـد) از حسـن بـن محبـوب روای کرده است که به حضرت رضا علیه السلام عرض می کند: چندانی است که همه می شنوند؟

حضرت فرمودند: ینادون فی رجب ثلاثه أصوات: صوتاً منها ألا لعنه اللّه علی الظالمین والصوت الثانی. أزفت الّا الآزفه یا معضر المؤمنین» والصوت الثالث برون بدناً بارزاً نحو عین الشمس هذا أمیر المؤمنین قد کرّ فی هلاک الظالمین.

سه صـدا در ماه مبارک رجب شـنیده می شود: اوّل: آگاه باشـید که سـتمگران از رحمت خدا دوره ملعونند. دوّم: نزدیک شـد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان. سوّم: بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این امیر المؤمنین است که به دنیا برای هلاک کردن ستمگران بازگشته است. (غیبت طوسی: ص ۲۶۸).

۷۵ ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که در تفسیر این آیه شریفه :

«برای آنان جنبنده ای را خارج می کنیم که با آنان سخن گوید». فرمود: مقصود أمیر المؤمنین علیه السلام است.

منابع کتاب

۱ . بحار الانوار: علاّمه محمّد باقر مجلسی رحمه الله .

۲ . الکافی: شیخ کلینی، محمّد بن یعقوب.

۳ . کمال الدین: شیخ صدوق، محمّد بن علی بن بابویه.

۴ . صفات الشیعه: شیخ صدوق رحمه الله .

۵ . عیون أخبار الرضا علیه السلام : شیخ صدوق رحمه الله .

۶ . معانی الأخبار: شیخ صدوق رحمه الله .

۷ . علل الشیرایع: شیخ صدوق رحمه الله .

۸ . رجال کشّی: شیخ طوسی رحمه الله ، محمّد بن حسن.

۹ . أمالی: شیخ طوسی رحمه الله .

۱۰ . مصباح المتهجّد: شیخ طوسی رحمه الله .

۱۱ . غیبت طوسی: شیخ طوسی رحمه الله .

۱۲ . غیبت نعمانی: محمّد بن ابراهیم نعمانی رحمه الله .

۱۳ . إرشاد مفید: محمّد بن نعمان.

۱۴ . کفایه الأثر: خزاز قمّی، علی بن محمّد.

۱۵ . کشف الغمّه: اربلی، علی بن عیسی.

۱۶ . هدایه الکبری: حضینی، حسین بن همدان.

۱۷ . تحف العقول: حرّانی، حسن بن علی.

۱۸ . قرب الإسناد: حمیری، عبداللّه بن جعفر.

۱۹ . تأویل الآیات: حسینی استرآبادی، شرف الدین علی.

۲۰ . ینابیع المودّه: قندوزی، سلیمان بن ابراهیم.

۲۱ . تفسیر قمّی: علی بن ابراهیم.

۲۲ . مختصر البصائر: الحلی، حسن بن سلیمان.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹